

نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال دوم / شماره ۲۴ / آذر ماه ۱۴۰۲



مراسم اختتامیه دومین دوره جشنواره ملی (کاما)

برخی عناوین این شماره:

- * ایران بی معلولیت با مدیران بی مسئولیت امکان‌پذیر نیست
- * سرانگشتان زن نابینا به دنبال کشف طلای سرخ
- * شجاع باش! ریسک کن! هیچ چیز نمی‌تواند جای تجربه را بگیرد!
- * سپاسگزاری یک دانشجوی نابینا از خدمات دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کند
- * عکس‌های سه‌بعدی که نابینایان هم می‌توانند آنها را تجربه کنند

صاحب‌امتیاز: انجمن نابینایان ایران

مدیرمسئول: امیر سرمدی

سر دبیر: امید هاشمی

نویسندگان: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سرمدی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، موسی عصمتی، صلاح‌الدین محمدی، بهروز نبی‌زاده، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، مریم مشایخی و امید هاشمی

ویراستار: فاطمه محسن‌زاده

ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، نگین حیدری، امیر سرمدی، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتابخانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: بانک مسکن، پرداخت الکترونیک سداد، شرکت دانش‌بنیان پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

ایران بی معلولیت بامدیران بی مسؤولیت امکان پذیر نیست.....	۲۰
گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (آذر ۱۴۰۲).....	۵۰
پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی.....	۷
شجاع باش! خطر کن! هیچ چیز نمی‌تواند جای تجربه را بگیرد!.....	۱۰
آنچه افراد بینا لازم است از کمک کردن به نابینایان بدانند.....	۱۲
عکس‌های سه‌بعدی که نابینایان هم می‌توانند آنها را تجربه کنند.....	۱۴
مشاغل از نگاه سم سیوی.....	۱۶
روند دادرسی افراد دارای معلولیت.....	۱۹
سرانگشتان زن نابینا، در جستجوی طلای سرخ.....	۲۱
تحریم پشت تحریم: نگاهی به آثار فیلترینگ بر فعالیت‌های نابینایان.....	۲۲
نگاهی به برنامه درسی دانش‌آموزان با آسیب بینایی.....	۲۴
همسرداری نهنگ‌ها در میان آب‌های آلوده (توان بخشی شغلی و کار پیدا کردن افراد نابینا و کم‌بینا).....	۲۷
نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا.....	۳۰
نخستین زندگی‌نامه نابینایان.....	۳۲
به لویی بریل که با اختراع بریل پنجره‌هایی روشن به جهان نابینایان باز کرد.....	۳۴
آوایی از لابلائی کتاب‌های تصویری کودکان (تجسم کتاب‌های تصویری کودکان تنها از طریق صدا).....	۳۴
اشک‌های شوق یلدا برف شد.....	۳۷
بابا تو دیگه کی هستی؟!.....	۳۷

محدودتر و در باغ‌موزه دفاع مقدس برگزار می‌شود و حضور افراد تنها منوط به داشتن دعوت‌نامه رسمی است، حتی به شرکت‌هایی که در حاشیه این مراسم نمایشگاه داشتند اعلام شد از دو روز قبل محصولات خود را برای انجام بررسی‌های امنیتی به محل نشست ببرند و به مسئولان تحویل دهند.

روز قبل از مراسم زمره حضور نیافتن رئیس‌جمهور شنیده می‌شد، اما اعلام کردند محمد مخبر، معاون اول، حتماً در این مراسم حضور خواهد داشت. صبح روز یازدهم آذرماه فرارسید. برخی از معلولان با کارت دعوت آمده بودند و بعضی دیگر هم به شوق اینکه نامه‌ای به دست سران کابینه برسانند به محل برگزاری نشست آمده بودند. از همان بدو ورود که از بازدید بدنی و قواعد امنیتی مرسوم خبری نبود، مشخص شد نه خبری از حضور رئیس‌جمهور است و نه معاون ایشان. این دومین بار است که چنین اتفاقی می‌افتد. مدیران سازمان بهزیستی هفته‌ها برای چنین روزی برنامه‌ریزی می‌کنند، چندین بار از مدیران سمن‌های مرتبط با معلولان دعوت و نشست‌های مشورتی برگزار می‌کنند و دست آخر مراسم آنها به یک نشست بی‌روح، شعارزده، صحبت‌های غیر مرتبط با معلولان و گویی از روی رفع تکلیف برگزار می‌شود؛ بی‌آنکه چشم‌انداز مشخصی نسبت به آینده افراد دارای معلولیت ترسیم شود.

مسئولانی که در دنیای دیگری سیر می‌کنند

در این نشست، صولت مرتضوی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ احمد وحیدی، وزیر کشور و علی محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی، کشور حضور داشتند و سخنرانی کردند. به جز صحبت وزرا و رئیس بهزیستی، یک خانم دارای معلولیت را آوردند که شعر خواند، یکی دیگر از بانوان دارای معلولیت به لزوم توجه به معلولان در تدوین قوانین و توجه به بازنشستگی معلولان در قانون افزایش سن بازنشستگی اشاره کرد. سپس گروه سرود نایب‌ایان سرودی درباره فلسطین خواند و همان گروه، نمایشی با موضوع غزه اجرا کرد و برنامه تمام شد.

ایران بی معلولیت بامدیران بی مسؤولیت

امکان پذیر نیست

امیر سرمدی: مدیرمسئول



مراسم گرامیداشت روز جهانی افراد دارای معلولیت امسال با هیاهوی فراوان و با وعده دیدار رئیس‌جمهور با معلولان آغاز شد و دست آخر با حضور دو وزیر، رئیس بهزیستی، برخی از مدیران انجمن‌های ویژه معلولان و افراد منتخب دارای معلولیت از سراسر کشور به پایان رسید. چون این مراسم را می‌توان ویتروینی از تمام ظرفیت‌ها، ایده‌ها و نگاه مدیران رده‌بالای کشور نسبت به معلولان و اعلام برنامه‌های آنها نسبت به این قشر در یک سال پیش رو دانست، در این یادداشت، به بررسی اظهارنظر مسئولان حاضر در مراسم روز جهانی معلولان و کم و کیف رویدادهای رخ داده در این نشست خواهیم پرداخت.

وعده‌های توخالی دیدار رئیس‌جمهور و

معاون اول با معلولان

در سه سال گذشته، این دومین بار است که اعلام می‌شود که سید محرومان به مناسبت گرامیداشت روز جهانی معلولان قرار است با جامعه افراد دارای معلولیت دیدار کند. امسال نیز و از چند روز قبل نخبگان دارای معلولیت را از استان‌های مختلف فراخواندند و اعلام کردند قرار است مراسم مفصلی در سالن اجلاس سران برگزار شود. سپس اعلام شد این نشست به صورت

برای معلولان و سایر مردم جامعه هستند. وقتی با کارشناسان امر در سطوح مختلف صحبت می‌کنیم، از برنامه هفتم توسعه گرفته تا تدوین بودجه ۱۴۰۳، هیچ‌گونه نکته مثبتی که باعث نگاه امیدوارانه و ناشی از بهبود شرایط در آینده باشد به چشم نمی‌خورد. هر شاخصه‌ای را که بررسی کنیم و به هر سو که بنگرید، شاهد یک افول همه‌جانبه هستیم. انعکاس این افول در زندگی معلولان نیز کاملاً هویدا است. از افزایش قیمت سرسام‌آور تجهیزات کمک‌توان‌بخشی گرفته تا مستمری ناچیزی که تورم آن را می‌بلعد و روزبه‌روز از ارزش آن می‌کاهد. در این شرایط اما، مسئولان رده‌بالای کشور در مقابل نگاه بهت‌زده مردمی که چشم‌انتظار گشایش‌های جدی در زندگی خود هستند، صحبت از فتح قله‌ها می‌کنند، درحالی‌که رسیدن به قله، شاخصه‌های مختص خود را دارد و تنها با گفتاردرمانی محقق نمی‌شود.

این روزها معلولان مانند سایر مردم جامعه، امکانات و پیشرفت‌های خیره‌کننده دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را با کشور خود مقایسه می‌کنند و حسرت می‌خورند؛ چراکه توسعه اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم، می‌توانست با همان سرعت در حاشیه شمالی خلیج فارس هم به وجود آید، اما تفاوت در نگاه همین مسئولان شعارزده‌ای است که به‌جای تدوین استانداردها و پیاده‌سازی برنامه‌های مدون برای اقشار مختلف جامعه، اولویت‌هایشان چیز دیگری است. افراد دارای معلولیت حتی زندگی خود را با معلولان اروپای غربی، اسکانداوی و آمریکای شمالی مقایسه می‌کنند و از ناترازی فاحش بین کفه‌های ترازو در رنج فراوان هستند. آنها به‌جای ساختن آینده ایران، عمدتاً به فکر مهاجرت و رؤیای زندگی در آن سوی مرزها هستند. در مثالی برای ناترازی کفه‌های ترازو در دو سوی خلیج، همان بس که جایزه سال کتاب افراد دارای معلولیت در کشور دوست و برادر، عربستان، در سال گذشته شش میلیارد تومان ایران بود و جوایز افراد برگزیده در جشنواره ملی کتاب

یکی از حاضرین دارای معلولیت در ارتباط با این مراسم می‌گوید: نام مراسم «گرامیداشت روز جهانی معلولان» بود، اما مسئولان گویی برای روز جهانی حمایت از مردم غزه تشریف آورده بودند. وزیر رفاه در این مراسم که تعداد زیادی از حاضران در آن افراد نابینا، ناشنوا و افراد دارای مشکلات گویایی بودند، گفت: جهان در خصوص مسئله فلسطین «کر، کور و لال شده است.» حتی ناشنویان حاضر در سالن هم از طریق مترجم زبان ناشنویان که صحبت‌های سخنرانان را برای افراد با آسیب شنوایی ترجمه می‌کرد، متوجه این صحبت وزیر شدند. این حرف بسیاری از افراد، به‌خصوص والدین حاضر در مراسم را ناراحت کرد و عده‌ای سالن را ترک کردند. معلولان حاضر در مراسم، بی‌صبرانه، منتظر اعلام برنامه‌های دولت در خصوص میزان بودجه اختصاص‌یافته به قانون حمایت از معلولان در سال آینده، میزان پرداخت مستمری‌ها و سایر خدمات رفاهی و اجتماعی وزارت تعاون در سال پیش رو بودند، اما مرتضوی مانند سایر مسئولان رده‌بالای کشوری که این روزها در هر نشست و مراسمی حاضر می‌شوند و طوطی‌وار فرمان خود را به سمت سرزمین‌های اشغالی می‌چرخانند گفت: امروز ما، همه، عزادار غزه هستیم و برای افرادی که در این منطقه از دنیا توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی معلول می‌شوند، ناراحتیم. به‌راستی چرا باید صحبت‌های مسئولان در نشست گرامیداشت افراد دارای معلولیت بر روی مسئله فلسطین متمرکز باشد؟ مسئولان در این مراسم حتی از مشکلات معلولان غزه سخن گفتند، اما صحبتی از مشکلات هم‌وطنان دارای معلولیت بر زبان نیاوردند. گویی آنها در دنیای دیگری سیر می‌کنند!

چند روز پیش یکی از نمایندگان مجلس گفته بود: زمانی که رئیس‌جمهور برای ارائه لایحه بودجه سنواتی ۱۴۰۳ به مجلس آمده بود، ما فکر می‌کردیم ایشان در خصوص کشور دیگری در حال سخنرانی است. همه این مسائل تنها یک علت دارد، اساساً مسئولان در کابینه سید ابراهیم رئیسی فاقد هرگونه برنامه عملیاتی و مشخص

نسل‌مانا

جهانی معلولان، وزیر رفاه اعلام کرد در ده سال گذشته ۳۶ هزار واحد مسکونی برای افراد دارای معلولیت ساخته‌ایم. ای‌کاش ایشان به‌صورت شفاف اشاره می‌کردند مشخصاً در دو سال گذشته چه تعداد واحد مسکونی برای معلولان ساخته شده است تا دستاوردهای دولت‌های گذشته را به نام خود فاکتور نکنند.

به‌طور کلی امسال نیز عقلای قوم همگی دور هم جمع شدند و نمایش مضحکی را به بهانه روز گرامیداشت افراد دارای معلولیت رقم زدند. مراسم بی‌آب و رنگی که از دل آن هیچ دستاورد مشخصی بیرون نیامد و به‌جای دل‌خوشی، حس سرخوردگی دیگری را نصیب جامعه افراد دارای معلولیت کرد، درحالی‌که می‌شد با برنامه‌های بهتری مانند برگزاری مسابقات علمی و ورزشی، فستیوال‌های فرهنگی، جشنواره‌های ادبی و هنری، شناسایی نخبگان دارای معلولیت و حمایت‌های عملی از آنها، گرفتن حمایت‌های کلان از دولت برای بهبود کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت و اعلام آن به مناسبت این روز برگزار شود.

به گفته وزیر رفاه: در آموزه‌های دینی جمهوری اسلامی توصیه‌های فراوانی برای توجه به معلولان وجود دارد و حتی امام حسین (ع) فرموده است: غفلت و فراموشی از نابینایان، ناشنوایان و معلولان عهدشکنی است و کوچک شمردن معلولان مورد نکوهش قرار گرفته است؛ بنابراین به همان دین و آیینی که اعتقاد دارید، اقدامات مؤثرتری برای بهبود کیفیت زندگی معلولان و آرامش آنها و خانواده‌هایشان انجام دهید. به‌راستی آیا به مسئولانی که بارها در تجمعات معلولان درخصوص تخصیص بودجه کامل قانون حمایت از حقوق معلولان به تمامی مقدسات قسم می‌خورند که دولتشان با محدودیت‌های مالی مواجه است و دقیقاً در همان حین، سه برابر بودجه مورد نیاز قانون جامع فقط برای یک شرکت خصوصی واردکننده چای ارز تخصیص می‌دهند، امیدی است؟

معلولان ایران در سال جاری با افزایش شش برابری به دوازده میلیون تومان رسید.

ایران بی‌معلولیت با وجود مدیران بی‌مسئولیت امکان‌پذیر نیست

یکی دیگر از سخنان صولت مرتضوی که باعث دلخوری حاضرین در مراسم گرامیداشت روز جهانی افراد دارای معلولیت شد، ابراز امیدواری از ایران بدون معلول آینده بود. احتمالاً نیت وزیر چیز دیگری بوده، اما واضح است با شرایط کنونی، در کشور ما با وجود ازدواج‌های فامیلی، سوانح جاده‌ای و هزاران عامل دیگر امری محال است. آیا بهتر نبود وزیر رفاه به‌جای آرزوی ایران بدون فرد دارای معلولیت، به مباحث علمی و روش‌های پیشگیری از تولد افراد معلول، لزوم غربال‌گری ژنتیکی پیش از بارداری، افزایش ایمنی و اصلاح نقاط پرخطر جاده‌ها که سالانه هزاران فرد معلولیت به سیستم تحمیل می‌کنند اشاره کند و بگوید دولت از این راه‌ها باید جلوی بروز معلولیت را بگیرد؟

یکی دیگر از هنرمندان دارای معلولیت از نحوه گرامیداشت این روز ابراز گلایه می‌کند و می‌گوید: انشای بی‌سر و ته و شعارزده رئیس سازمان بهزیستی کشور با قطاری از کلمات قلمبه‌سلمبه و بدون ارائه عملکرد، چیزی نبود که به خاطر آن صدها فرد دارای معلولیت را از گوشه‌گوشه ایران به تهران بیاورند. قادری می‌توانست انشایش را در یک برنامه تلویزیونی هم بخواند. او تأکید می‌کند: حتی صحبت‌های وزرا هم تکراری بود و وعده استخدام، اشتغال، مسکن و... را هم پیش از این مراسم در رسانه‌ها شنیده و خوانده بودیم. وی در خصوص ساخت مسکن برای افراد دارای معلولیت هم می‌گوید: چندین سال است که صحبت از ساخت چهارده هزار واحد مسکونی برای افراد دارای دو عضو معلول در خانواده می‌کنند. این وعده که اجرا نشد و حالا هم صحبت از ساخت هفت هزار خانه برای خانواده‌های دارای سه عضو معلول تا پایان سال دولت نخست سید محرومان است. ضمن آنکه در مراسم روز

و پر مخاطبی همچون دیجی کالا، علی بابا، دیوار، شیپور و سایر اپلیکیشن‌ها را هم پای کار بیاورد تا آنها هم مراتب دسترس‌پذیری را در طراحی برنامه‌های خود در نظر بگیرند.

حواشی مربوط به برنامه‌های روز جهانی افراد دارای معلولیت، دیگر موضوعی است که لازم دیدیم در این گزارش به آن پردازیم. انجمن نابینایان ایران مدت‌ها پیش از روز جهانی، از طرف بهزیستی فرا خوانده شده بود تا در برنامه‌ریزی‌های مربوط به این روز مشارکت داشته باشد. این انجمن، طی چهار جلسه سه ساعته با متولیان بهزیستی کشور، پیشنهادهای خود را به این سازمان ارائه داده بود و محورهایی را که بهتر بود در طول روزهای قبل و بعد از ۱۲ آذر مورد توجه قرار گیرد، برشمرده بود، اما آنچه به‌عنوان مراسم روز جهانی برگزار شد، در کمال شگفتی، هیچ سختی با تصمیم‌هایی که در جلسات گرفته شده بود نداشت. مراسم با بی‌سلیفگی تمام و در خنثاترین شکل ممکن برگزار شد که می‌توانید جزئیاتی را در این خصوص در بخش یادداشت مدیرمسئول در همین شماره مطالعه کنید.

دیگر فعالیت انجمن در ماه گذشته معطوف به همکاری‌هایی بود که با موزه کاخ گلستان شکل گرفته است. انجمن به مناسبت ۱۲ آذر، از سامانه پایگاه اطلاع‌رسانی نابینایان و ناشنویان در موزه کاخ گلستان رونمایی کرد. این پایگاه، دربردارنده اطلاعات مبسوطی در خصوص اشیا و بناهای موزه است که مراجعان نابینا می‌توانند از طریق آن، این اطلاعات را به شکل صوتی و بریل، مطالعه کنند. همچنین ماکت دویعدی از برخی بناهای مهم نظیر کاخ مرمر و شمس‌العماره هم در قالب یک آلبوم طراحی شده که مراجعان نابینا می‌توانند آنها را ورق بزنند و لمس کنند تا با تصویر کلی هریک از بناها آشنا شوند. همچنین قرار شد مولژی از برخی بناها و اشیا هم ساخته شود تا مراجعان نابینا بهتر بتوانند جزئیات هر اثر را لمس کنند. در این مراسم، دو سند مربوط به نابینایان از دوره ناصرالدین‌شاه قاجار هم

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (آذر ۱۴۰۲)

منصور شادکام: قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران

شرح فعالیت‌های این ماه را با ارائه گزارشی در خصوص حضور نمایندگان انجمن نابینایان ایران در جلسه ستاد مناسب‌سازی کشور آغاز می‌کنیم؛ جلسه‌ای که به میزبانی وزارت کشور و با شرکت رئیس سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش استثنایی و تعدادی از معاونان وزارتخانه‌های مرتبط برگزار شد. در این جلسه، انجمن نابینایان ایران پیشنهادهای و راهکارهایی را در زمینه متناسب‌سازی وبگاه‌ها و اپلیکیشن‌های تلفن همراه ارائه کرد و با توجه به عدم آشنایی هیچ یک از مدیران و رؤسای که سال‌ها در ستاد مناسب‌سازی کشور حضور داشتند با موضوع دسترس‌پذیری دیجیتال، توضیحات مفصلی را درباره چگونگی استفاده کاربران نابینا از رایانه و تلفن همراه ارائه کرد و در پیشنهادهای خود بر این نکته تأکید کرد که در طول این سال‌ها، در ستاد مناسب‌سازی فقط به موضوع اصلاح معابر و ساختمان‌ها توجه شده و صرف‌نظر از میزان اثربخشی طرح‌هایی که تاکنون انجام شده، مسئله وبگاه‌ها مغفول مانده است. این در حالی است که هزینه و زحمت مناسب‌سازی دیجیتال، به مراتب کمتر از مناسب‌سازی معابر و ساختمان‌ها است و اهمیت این بخش از مناسب‌سازی هم کمتر از سایر بخش‌ها نیست. در این جلسه مقرر گردید صد دستگاه دولتی در نامه‌ای موظف به همکاری با ستاد مناسب‌سازی شوند و وبگاه‌هایشان را برای استفاده نابینایان متناسب کنند. از این صد دستگاه، ده‌تایشان ادعا کردند که قبلاً مراتب مناسب‌سازی را انجام داده‌اند؛ بنابراین از سوی ستاد، از انجمن خواسته شد تا صحت ادعای این ده دستگاه را بررسی کند. همچنین قرار شد ستاد مناسب‌سازی از جایگاه دولتی خود استفاده کند و کسب و کارهای مهم

نسل‌مانا

در برگزاری این رویداد بزرگ ملی، انجمن شاهد تلخی‌هایی هم بود. از این طریق لازم است مراتب انتقاد خود را از شیوه مشارکت آموزش و پرورش استثنایی به عمل آوریم. علی‌رغم اهمیتی که رویدادهایی از این دست در زندگی افراد دارای معلولیت ایفا می‌کند و با توجه به در نظر گرفتن شاخه ادبیات کودک و نوجوان، آموزش و پرورش استثنایی به هیچ وجه در برگزاری این رویداد مشارکتی نداشت و بعد از نامه‌نگاری‌های فراوان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را معرفی کرد که نمایندگان کانون هم در نهایت در یکی دو جلسه حاضر شدند و در ادامه از همراهی سر باز زدند. همچنین از شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها هم انتظار می‌رفت در تأمین هزینه‌های برگزاری این رویداد فرهنگی دوشادوش انجمن در برگزاری مشارکت کنند که آنها هم این همراهی را از انجمن نایبانیان ایران دریغ کردند. همچنین این انتقاد به وزارت فرهنگ هم وارد است که چرا به رویدادهایی از این قسم، بی‌توجهی می‌کند؟! انتظار می‌رود دوستان همان توجهی را که به رویدادی مثل کتاب سال در آن وزارتخانه دارند، به کتاب سال معلولان هم داشته باشند. این انتقاد به شهرداری و بهزیستی هم وارد است که اهمیت لازم را به این رویداد کشوری از خود نشان ندادند. شهرداری فقط در حد و اندازه اداره کل سلامت و بهزیستی هم صرفاً در حدود مدیرکل در این مراسم حاضر شدند. سازمان بهزیستی در تأمین جوایز جشنواره، مشارکت قابل قبولی با انجمن داشت، اما انتظار می‌رفت در روز اختتامیه، شاهد حضور رئیس سازمان و معاونت توان بخشی هم باشیم که این مهم به وقوع نپیوست. امید است از سال آینده، این رویداد، با حضور محسوس رؤسا و مدیران رده‌بالای مرتبط برگزار شود. امسال ۲۰۲۲ اثر به دبیرخانه ارسال شده بود که در نهایت ۴۲ اثر به بخش نهایی راه یافتند و از هشت اثر تقدیر ویژه به عمل آمد و هجده اثر هم شایسته تقدیر شناخته شدند. همچنین در بخش ناشران بریل، از ماهنامه نسل مانا و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور هم تقدیر به عمل آمد. شما می‌توانید جزئیات

رونمایی شد. این دو سند متن‌هایی هستند که به خط «مون»، از خطوط پیشابریل، از اروپا به ایران آمده‌اند. نسخه بریل متن هر سند هم به همت انجمن در زیر هر سند قرار داده شده است. علاقه‌مندان می‌توانند هم‌روزه، برای بازدید از پیگاه نایبانیان موزه، به کاخ گلستان تهران مراجعه کنند.



یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که بعد از حدود شش ماه تلاش بی‌وقفه، سرانجام در ۱۴ آذر در محل تالار قلم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار شد، اختتامیه جشنواره کتاب افراد معلول ایران (کاما) بود. انجمن برای برگزاری این جشنواره، از خرداد سال جاری، هشت جلسه را با اعضای سیاست‌گذاری جشنواره برگزار کرد. لازم می‌دانیم از همین طریق با نام بردن از یک‌یک اعضا، از زحمات ایشان سپاس‌گزاری کنیم: سرکار خانم رجبی‌فرد از خانه کتاب؛ خانم شادی و آقای روح‌الله ساعی از نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ آقای عربشاهی از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ خانم علی‌آبادی از اداره کل سلامت شهرداری تهران؛ آقای یآوری از سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران؛ آقای نعمتی از سازمان بهزیستی؛ آقایان محمد و علی نوری از دفتر فرهنگ معلولین؛ خانم مینو یثربی، مدیر اسبق مرکز توان بخشی خزانه؛ آقای حسین روحانی و خانم هاشمی از سازمان اسناد و کتابخانه ملی و آقایان شادکام، جمالی و سرمدی از انجمن نایبانیان ایران و کامران اروان از جامعه معلولین ایران.

پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

به‌تازگی در ایران روز دانشجو را پشت سر گذاشته‌ایم، پس شاید بد نباشد این شماره را با مطلبی مرتبط با دانشجویان نابینا آغاز کنیم. در ادامه هم به دنیای هوش مصنوعی سر می‌زنیم و امکان تازه‌ای را که در اختیار نابینایان قرار گرفته است، به بحث خواهیم گذاشت. در آخر هم یکی از مطالبی را که قبلاً در همین سلسله نوشته‌ها درباره‌اش نوشته بودیم، پیگیری خواهیم کرد و از تحققش و نتایجی که به دنبال داشته است، برایتان خواهیم نوشت. سپس به شیوه اغلب شماره‌های پیشخوان، به سراغ زندگی یک قهرمان نابینا خواهیم رفت.

سپاس‌گزاری دانشجوی نابینا از خدمات دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کند

تعجب نکنید! این یک تیتراژ خیالی نیست. دانشجویی پیدا شده که از خدماتی که دانشگاه محل تحصیلش در اختیار او گذاشته ممنون است،



البته نکته ماجرا این است که این اتفاق، طبیعتاً نه در ایران، که در انگلستان به وقوع پیوسته است.

مربوط به جشنواره کاما را در وبگاه انجمن نابینایان ایران به نشان IBNGO.IR مطالعه کنید. همچنین فایل صوتی مراسم اختتامیه هم برای استفاده عموم، ذیل گزارش وبگاه، در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

در روز ۱۹ آذر، تفاهم‌نامه‌ای میان انجمن و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد به امضا رسید. پیرو این تفاهم‌نامه، نابینایان می‌توانند با ۵۰ درصد تخفیف، از دوره‌های آموزشی بلندمدت یا مقطعی که در این مرکز برگزار می‌شود، بهره‌مند شوند. دوره‌های بلندمدت این مرکز به صورت دانشگاه و در قالب دانشگاه علمی‌کاربردی ارائه و مدرک کاردانی یا کارشناسی در پایان دوره اعطا می‌شود و مدارک دوره‌های کوتاه‌مدت هم رسمی و قابل ترجمه هستند. همچنین رعد متعهد شده در رشته‌هایی نظیر موسیقی و برنامه‌نویسی که کاربران نابینا به تجهیزات خاص دارند، این تجهیزات را تهیه کند و در اختیار شرکت‌کنندگان نابینا بگذارد؛ افزون بر این اولویتی را هم برای مشارکت استادان و مدرسان نابینا در تدریس در دانشگاه رعد در نظر گرفته است. تمامی ساختمان‌های رعد مناسب‌سازی‌های محیطی را رعایت کرده و استادان و کارمندان هم آموزش‌های لازم را در خصوص چگونگی تعامل با افراد دارای معلولیت دریافت کرده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند برای مشاهده فهرست دوره‌های آموزشی مجتمع رعد به پایگاه‌های اینترنتی انجمن نابینایان ایران مراجعه کنند.

برگزاری اردوی تفریحی در اردوگاه حبیب بن مظاهر تنکابن، دیگر فعالیت انجمن در طول آذر بود. این تور تفریحی با پنجاه نفر از نابینایان در تاریخ ۲۳ تا ۲۶ آذر برگزار شد. قرار است سفرهای سیاحتی و زیارتی انجمن در طول زمستان هم ادامه داشته باشد. تورهای طبیعت‌گردی انجمن هم از دی‌ماه، از سر گرفته خواهد شد.

آیلی بسیار از همکاری دانشگاهش با او خرسند است و معتقد است اگر این همکاری رخ نمی‌داد، او هرگز نمی‌توانست از آن درس نمره مطلوبی به دست آورد. او بر این باور است که نابینایان در هنگام تحصیل، با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند و یکی از مواردی که می‌تواند برای رفع آن مشکلات به آنها کمک کند، برقراری تعامل صحیح و مؤثر با عوامل دانشگاه است. او همچنین معتقد است نابینایان باید در مواردی مثل آنچه او تجربه کرده، پشتیبان همدیگر باشند و با به اشتراک گذاشتن تجربیاتشان راه را برای سایر نابینایان هموار کنند. او خود نیز در این زمینه پیش‌قدم شده و حالا به نمایندگی از شاخه جوانان مؤسسه ملی سلطنتی بریتانیا، عضوی از مجلس ملی جوانان اسکاتلند است و برای احقاق حقوق جوانان نابینا تلاش می‌کند.

اگر شنونده نسخه صوتی پیشخوان باشید، علاوه بر قصه زندگی آیلی، با فعالیت‌های شاخه جوانان مؤسسه ملی سلطنتی بریتانیا هم بیشتر آشنا خواهید شد.

فراتر از هوش بشری / هوش مصنوعی همچنان در خدمت نابینایان



هوش مصنوعی همچنان می‌تازد و چه چیز بهتر از این؟ حالا دیگر بسیاری از کارهایی که ما برای انجامشان دست به دامان دوست و آشنا می‌شدیم، به سادگی یک

«آیلی موریسون»^۱، ۲۲ ساله و اهل ابردین، شهری در شمال شرقی اسکاتلند است. او که در حال حاضر در دانشگاه شهر زادگاهش دانشجوی سال سوم فیزیک است، هم‌زمان به آرپی و آپراکسی چشم مبتلا است و به همین خاطر هم اکنون فقط ۳ درصد بینایی دارد و آپراکسی هم باعث شده نتواند چشم‌ها را حرکت دهد و در نتیجه همین اندک بینایی هم به صورت تونلی است و آیلی میدان دید ندارد. اولین جایی که آیلی متوجه دشواری‌های ناشی از کم‌بینایی شد، زمانی بود که باید در کلاس آزمایشگاه الکترونیک شرکت می‌کرد. او می‌گوید: «صفحه‌ای در مقابلمان قرار داشت که تعدادی سوراخ ریز بر رویش تعبیه شده بود و ما باید روی آن صفحه، یک بورد الکتریکی درست می‌کردیم. ادواتی که با آنها کار می‌کردیم، خیلی روز بود و رنگ مرز بین سوراخ‌ها هم طوری نبود که من بتوانم آنها را از هم تمییز بدهم. آنجا بود که دلم می‌خواست بنشینم و به حال خودم زار بزنم، اما کمک استاد و مددکار دانشگاه مرا از آن حال نجات داد».

در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر و غیر معتبر دنیا یک جایگاه شغلی با عنوان «مشاور پشتیبانی دانشجویی» وجود دارد که وظیفه‌اش حمایت از دانشجویان و کمک به آنها در شرایط خاص است. هر مشاور، وظیفه حمایت از تعداد مشخصی از دانشجویان را بر عهده دارد و معمولاً یکی از پشتیبان‌ها هم در زمینه افراد دارای معلولیت تخصص دارد و از این افراد پشتیبانی می‌کند. در دانشگاه ابردین هم «جرالدین لینچ» نام کسی است که این وظیفه را به عهده دارد. جرالدین به آیلی کمک کرده است تا او بتواند درس مورد نظر را به‌جای آزمایشگاه، در محیط مجازی بگذراند. او به‌جای استفاده از آزمایشگاه، تمامی آزمایش‌ها را در یک محیط نرم‌افزاری به انجام رسانده و توانسته است درس مورد بحث را با نمره‌ای درخور بگذراند.

^۱. Eilidh Morrison

مشکلات همیشگی دانشجویان نابینا است و حالا آنها می‌توانند با بارگذاری عکس در بی‌مای‌آیز، دربارهٔ نمودار مورد نظرشان با هوش مصنوعی گفتگو کنند و اطلاعات لازم را به دست آورند.

قابلیت تماس با آشنایان، دیگر امکانی است که به بی‌مای‌آیز اضافه شده است. در این قابلیت، کاربر نابینا می‌تواند تا پنجاه نفر از آشنایانش را در قالب یک گروه به بی‌مای‌آیز معرفی کند تا در مواقعی که کمک یک آشنا لازم است، با لمس یک دکمه، هر کدام از آشنایان که در آن لحظه امکان پاسخ‌گویی داشت، بتواند به او کمک کند. قابلیت گروه‌بندی در بی‌مای‌آیز فقط محدود به این امکان نیست و امکانات تازهٔ زیادی را به این نرم‌افزار افزوده است. هانس در مورد اضافه کردن هوش مصنوعی به بی‌مای‌آیز با یک چالش جالب هم مواجه بود که بررسی این چالش عجیب را به نسخهٔ صوتی پیشخوان وامی‌گذاریم.

از کالیفرنیا تا ایلینوی، نیرو گرفته از بریل



در هفدهمین شماره از پیشخوان، دربارهٔ یک داور هاکی نوشته بودیم که می‌خواهد مسیری طولانی را به نفع نابینایان رکاب بزند. «دن اورورک»^۴ داور پنجاه‌سالهٔ لیگ هاکی آمریکا است که پدر و پدربزرگش به دلایلی نابینا شده‌اند و زندگی او نیز به همین واسطه، با نابینایان آشنا شده و پیوند خورده است. دن تصمیم می‌گیرد مسیر طولانی کالیفرنیا تا ایلینوی را با هدف آگاهی‌بخشی در

چَت کردن ساده قابل انجام است. نرم‌افزارهای کمک‌توان‌بخشی هم که تابه‌حال استفاده می‌کردیم، یکی‌یکی، دارند به سمت استفاده از هوش مصنوعی می‌روند تا میزان وابستگی به نیروی انسانی را کاهش دهند و هزینه‌ها را کم و دقت و کیفیت را زیاد کنند. ماه پیش، همین‌جا از انویشن گفتیم و حالا باید سراغی از «بی‌مای‌آیز»^۱ بگیریم که امکان کمک گرفتن از هوش مصنوعی را برای کاربرانش فراهم کرده است؛ امکانی که البته چند وقتی می‌شود که در دسترس قرار گرفته، اما حالا آن را به شکلی عمومی‌تر، در نسخهٔ اندرویدش هم عرضه کرده است.

در یکی از آخرین شماره‌های پادکست «آیز آن ساکسس»^۲، پیت و ناسی، میزبان «هانس یورگن وایبرگ»^۳، مؤسس این اپلیکیشن بسیار محبوب بودند. هانس از شروع کار اپلیکیشن حکایت می‌کند؛ از روزی که در سال ۲۰۱۲ کار را در دانمارک کلید زده است تا به امروز که افرادی در دانمارک، فنلاند و آمریکا کار توسعهٔ آن را به عهده دارند. او همچنین دربارهٔ فواید به‌کارگیری هوش مصنوعی در بی‌مای‌آیز هم برای ما می‌گوید. به کمک این فناوری تازه، کاربران می‌توانند یک عکس را به هوش مصنوعی بسپارند تا از جزئیاتش باخبر شوند. به لطف قابلیت‌های هوش مصنوعی، حتی این امکان هم فراهم شده که کاربران بتوانند دربارهٔ عکس، با بی‌مای‌آیز گفتگو کنند و سؤالاتشان را بپرسند؛ به‌عنوان مثال پیت در ابتدای گفتگو، یک عکس شامل تصویر دوازده نفر را برای بی‌مای‌آیز ارسال کرد و هوش مصنوعی، توصیفی کلی از آن را ارائه داد. در ادامه، پیت دربارهٔ یکی دو نفر از افراد داخل عکس، سؤالاتی پرسید و هوش مصنوعی به‌خوبی به سؤالات پاسخ داد.

هانس خود معتقد است این امکان به‌خوبی می‌تواند در اختیار دانشجویان و محققان نابینا قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال کسب اطلاع از محتوای نمودارها، یکی از

^۲.Hans Jørgen Wiberg

^۴.Dan O'Rourke

^۱.Be My Eyes

^۲.Eyes on success

**شجاع باش! خطر کن! هیچ چیز
نمی‌تواند جای تجربه را بگیرد!**
زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و
پرورش شهر تهران



«شجاعت» واژه‌آشنایی است که هرکدام از ما بارها و بارها شنیده‌ایم و در گفتگوها یا نوشته‌هایمان به کار برده‌ایم، اما کمتر پیش آمده که به گستردگی معنا و کاربرد این واژه اندیشیده باشیم. بسیاری از ما تصور می‌کنیم که شجاعت به معنی شهامت داشتن برای انجام کارهای بسیار بزرگ و خطرناکی مانند مشارکت در جنگ و به دست گرفتن و استفاده از چیزی مانند اسلحه است، اما خوب است بدانیم که گستره شجاعت بسیار فراتر از اینهاست و این ویژگی در بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره ما نقش‌آفرینی می‌کند.

شجاعت فقط خروج از منزل و خیابان‌گردی با عصای سفید و با اتکا به مهارت‌های جهت‌یابی و حرکت نیست. دوست شدن با همکلاسی‌های تازه، تجربه بازی جدید، صحبت کردن در جمع، امتحان کردن خوراکی‌ای که تا به حال نخورده‌اید، پوشیدن لباسی که سبک متفاوتی با لباس‌های همیشگی شما دارد و ... همه و همه نیاز به شجاعت دارند و چه بسیارند افرادی که نداشتن شجاعت انجام این دست کارها را به اشتباه، به عدم تمایل نسبت می‌دهند و مثلاً می‌گویند: «از این بازی اصلاً خوشم نیامده و حتی نمی‌خواهم امتحانش کنم.» یا «بوی این غذا را دوست ندارم و حتی برایم ارزش امتحان کردن

خصوص نایبایی با دوچرخه رکاب بزند. او به‌تازگی این کار را به سرانجام رسانده و موفق شده در مدت شش هفته این مسیر را بپیماید. او این مسیر ۲۵۰۰ مایلی را در حالی پیموده است که همسر، فرزند و سگش هم با اتومبیل به دنبالش این راه را طی کرده‌اند. دن توانسته با رکاب زدن این مسیر طولانی، مبلغ پنجاه هزار دلار را به نفع فدراسیون ملی نایبایان آمریکا جمع‌آوری کند؛ پولی که قرار است صرف اجرای طرح‌هایی با محوریت ترویج بریل بشود. فدراسیون همچنین قرار است این پول را برای توسعه پروژه پل آکادمی هزینه کند. درباره اینکه پروژه موسوم به «بل آکادمی» دقیقاً چیست و چه هدفی را دنبال می‌کند، در نسخه صوتی پیشخوان نکاتی خواهید شنید. دن همچنین بارها در رسانه‌های محلی شهرهایی که از آنها عبور می‌کرد، حاضر شده و درباره نایبایی و چند و چونش برای مردم صحبت کرده است. یک مراسم رسمی هم به افتخار دن برگزار و یکی از جوایز معتبر لیگ هاکی به او اهدا شد. ما بازگویی جزئیات سفر دن را به نسخه صوتی پیشخوان خواهیم سپرد. همچنین در نسخه صوتی، با یکی از قهرمانان نایبنا آشنا خواهیم شد. سارا زنی است که انواع بلایای طبیعی و غیر طبیعی را پشت سر گذاشته است، اما حالا توانسته با فائق آمدن بر همه مشکلات، خود را به‌عنوان مربی نایبایان، نویسنده، سخنران و پادکست‌ساز نایبنا به جامعه بشناساند. کسی که از سارا میزبانی می‌کند هم خودش قهرمانی تمام‌عیار است. او از معدود آدم‌هایی است که از مننژیت جان سالم به در برده است، اما نتوانسته چشم سالم هم به در ببرد. حالا چند وقتی است که پادکست می‌سازد تا به سایر کسانی که نایبنا می‌شوند یادآوری کند که زندگی به پایان نرسیده است.

اگر می‌خواهید هر آنچه را تا به حال خواندید، با تفصیل بیشتری از زبان میزبان‌های پادکست پیشخوان بشنوید، پرونده صوتی را ذیل همین نوشته در وبگاه نسل‌مانا بارگیری کنید. شما همچنین می‌توانید آن را از کانال‌های ما در شبکه‌های اجتماعی هم دریافت کنید.

بازی و مهارت‌های لازم برای انجام آن است و معمولاً مشاهده می‌کنیم که کودکان پس از دریافت توصیف مناسبی از فضا و اطمینان از اینکه خطری تهدیدشان نمی‌کند، با کمک و همراهی فرد مورد اعتمادشان که ممکن است مادر، معلم، دوست یا هر کس دیگری باشد، خود را به این تجربه جدید می‌سپارند و لذت می‌برند.

شاید مثال استخر توپ برای برخی خوانندگان، باورپذیر نباشد، اما باید گفت هر موقعیت مبهمی، حتی موقعیت جذاب و لذت‌بخشی مانند استخر توپ، می‌تواند افراد را دچار ترس کند، اما آیا شجاعت به معنی ترسو نبودن است؟ پاسخ خیر است. شجاعت به معنی کنترل و مدیریت ترس‌هاست. همه ما ممکن است در مواجهه با موقعیت‌های ناآشنا دچار ترس شویم، اما شیوه مقابله ما با ترس اهمیت بسیاری دارد، مثلاً ممکن است دوستان شما برای آخر هفته برنامه استخر داشته باشند و از شما هم دعوت کنند. تصور کنید تاکنون تجربه رفتن به استخر را ندارید و ترس عجیبی به شما غلبه می‌کند، بهانه‌تراشی می‌کنید و می‌گویید: «استخر دوست ندارم»، «آب استخر آلوده است»، «قرار مهم‌تری دارم» و همه این بهانه‌ها را در حالی می‌آورید که در دل، آرزوی رفتن به استخر را دارید. اگر کمی با خودمان روراست باشیم؛ می‌دانیم که این عذر و بهانه‌ها ناشی از ضعف شجاعت برای کسب تجربه جدید است. خوب است بدانیم که انجام هر کاری در چند مرتبه اول، می‌تواند هر کسی را دچار ترس کند و این به آسیب بینایی مربوط نیست، پس نیاز نیست که این احساس مانند خیلی از هیجان‌های دیگر انکار شود و بهتر است نسبت به این هیجان آگاه‌تر باشید و کنترل و مدیریت آن را یاد بگیرید.

بسیاری از ترس‌های افراد با آسیب بینایی، ناشی از کاستی در تجربه‌های آنها است. با توجه به سبک فرزندپروری امروز می‌بینیم که بسیاری از پدرها و مادرها، امکان آزادی عمل و کسب تجربه‌های جدید را با این تصور که مبادا خطری فرزندشان را تهدید کند، از ایشان سلب می‌کنند و با فراهم کردن هر آنچه در توان

ندارد.» و چه‌بسا پشت این جمله‌ها، چیزهای دیگری نهفته باشد و فردی که می‌گوید از این بازی خوشش نیامده است، از اینکه نتواند این بازی را به درستی انجام دهد و در جمع خجالت‌زده شود می‌ترسد یا فردی که می‌گوید بوی غذایی را دوست ندارد، ممکن است از اینکه نتواند به درستی آن غذا را بخورد نگران باشد و چه‌بسا آرزوی آن خوراکی خوش‌عطر را تا همیشه با خودش داشته باشد.

مسئله شجاعت در میان انسان‌ها مشترک است و این ویژگی از مهم‌ترین اصول زندگی است که در انتخاب هدف و مسیری که برای رسیدن به آن انتخاب و طی می‌کنیم مؤثر است. این موضوع در مورد افراد با آسیب بینایی هم صادق است، اما تفاوت میان افراد با آسیب بینایی و همسالان فاقد آسیبشان در این است که افراد فاقد آسیب بینایی، انجام بسیاری از کارها را تنها با دیدن می‌آموزند و با تماشای دیگران، به‌نوعی در تجربه آنان سهیم می‌شوند و در بسیاری مواقع، همین نگاه کردن، به‌تنهایی کافی است تا جسارت انجام کار را بیابند.

تصور کنید کودکی برای نخستین بار در شهر بازی، کنار استخر توپ می‌ایستد و پس از تماشای کودکان دیگر که در حال بازی و سر و صدا و لذت بردن هستند؛ او هم وارد استخر و با دوستانش هم‌داستان می‌شود، اما همین تجربه ساده و بدون خطر، ممکن است در مورد کودک با آسیب بینایی کمی متفاوت باشد. کودک با آسیب بینایی صرفاً با قرارگیری در کنار استخر و شنیدن صدای همسالانش که مشغول بازی هستند؛ متوجه جذابیت و لذت‌بخش بودن این فضا می‌شود، اما این کافی نیست و کودک برای اینکه جسارت ورود به استخر را پیدا کند؛ نیازمند کسب اطلاعات دقیقی از فضا و نوع بازی است و باید اطمینان یابد که خطری او را تهدید نمی‌کند. گاه ممکن است با کودکی مواجه شویم که به‌شدت از چیز ساده‌ای مثل استخر توپ می‌ترسد. این ترس معمولاً ناشی از نداشتن اطلاعات کافی از فضای

دارند و ممانعت از تلاش و کسب تجربه فرزندان، با

تصور لطف، ظلم بزرگی در حق او روا می‌دارند. در مدارس نیز وضع تقریباً مشابهی دیده می‌شود و مربیان نیز کمتر از گذشته‌ها فرصت آزمون و خطا و کسب تجربه‌های جدید را به دانش‌آموزان، به‌ویژه در سنین پایین، می‌دهند. این در حالی است که این سنین برای کسب تجربه‌های جدید و مدیریت ترس‌ها و در نتیجه تقویت شجاعت حیاتی است، پس بهتر است از این زمان، به شیوه صحیحی استفاده شود. خوب است مدارس، فرصت کاوش محیط، انجام بازی‌های متنوع، رفتن به اردو و تجربه‌اندوزی برای دانش‌آموزان را فراهم کنند. تدارک برنامه‌هایی مانند برنامه طبیعت‌گردی و کوه‌نوردی که اخیراً توسط انجمن نابینایان ایران برگزار می‌شود نیز می‌تواند فرصت ورود به ناشناخته‌ها و تجربه‌اندوزی را برای افراد با آسیب بینایی فراهم کند. از متولیان آموزش و توان‌بخشی افراد با آسیب بینایی، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، سازمان بهزیستی و انجمن‌های مردم‌نهاد، انتظار می‌رود ضمن آگاهی‌بخشی و آموزش والدین افراد با آسیب بینایی برای به‌کارگیری شیوه‌های صحیح فرزندپروری، فرصت‌هایی را برای کسب تجربه‌های جدید و کشف دنیای اطراف و در نتیجه تقویت شجاعت افراد با آسیب بینایی فراهم کنند.

اما نیک می‌دانیم که هیچ شخص و نهاد و ارگانی نمی‌تواند به اندازه خود شخص در غلبه بر ترس‌ها و تقویت شجاعت، موفق باشد. پس شجاع باش! بر ترس‌هایت غلبه کن و اولین قدم را بردار! موفقیت پشت قدم‌های تو نهفته است!

آنچه افراد بینا لازم است از کمک کردن به نابینایان بدانند

فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان

در این شماره بنا داریم به پرسش یکی از مخاطبان بینا پاسخ دهیم؛ پرسشی که شاید در ذهن سایر همراهان بینای ماه‌نامه نسل مانا هم باشد.

زهره کارمند است. او تاکنون چند باری با افراد نابینا در محل کار مواجه شده است. او می‌گوید که بسیار مراقب است تا کسی را ناراحت نکند. روزی از من خواست تا برایش بگویم که افراد بینا چگونه می‌توانند به نابینایان کمک کنند.

در ادامه پاسخی را که به او دادم، کمی مفصل‌تر در اینجا می‌نویسم؛ باشد که روزی مطالب این بخش را بخواند.

شاید شما خواننده گرامی! بارها این صحنه را دیده باشید که شخص بینایی فرد نابینایی را از خیابان یا موانع سر راه عبور می‌دهد؛ به او کمک می‌کند تا از دستگاه عابربانک پول نقد بردارد؛ او را به سمت فروشگاه می‌خواهد برود هدایت می‌کند؛ در فروشگاه نام اجناس را می‌خواند و او را همراهی می‌کند؛ کمک می‌کند تا فرد نابینا اتومبیل مورد نظرش را پیدا کند و سوار شود؛ او را برای اجرای برنامه تا روی سن همراهی می‌کند؛ و بسیاری موارد که کمتر در انظار عمومی هستند مانند خواندن کتاب، توضیح فیلم، توضیح نوشته‌های روی تخته کلاس، منشی امتحانی و از این قبیل موارد.

اما مواردی هم هستند که کمتر به چشم می‌آیند؛ نه اینکه کم باشند ... نه! در معرض دید عموم نیستند مانند فرد نابینایی که در مرکز تلفن یک اداره یا یک بیمارستان تمام ارتباطها را برقرار می‌کند؛ به صحبت‌های تماس‌گیرنده‌ای که نمی‌داند دقیقاً مسئله‌اش را باید با چه کسی در میان بگذارد، گوش می‌دهد و او را به بهترین شکل راهنمایی می‌کند؛ مشاور نابینایی که پشت



پیاده شدن موقعیت مسافر را به او اطلاع بدهد، مثل اینکه زیر کدام تابلو و یا رو به روی کدام فروشگاه ایستاده است.

در مترو

بهتر است فرد نابینا به هیچ راهنمای غریبه‌ای که قصد دویدن در آن فضای پُریچ و خم، پرجمعیت و دارای اختلاف سطح بسیار را دارد، اعتماد نکند؛ چراکه ممکن است بر اثر برخورد با کسی یا مانعی دچار آسیب‌دیدگی شود یا به کسی آسیب برساند، البته اگر حادثه‌ای در حال رخ دادن باشد، بمب‌گذاری یا آتش‌سوزی، اعتماد به نزدیک‌ترین کسی که پیشنهاد می‌دهد، موجب نجات او خواهد شد.

برای عبور از پله‌برقی کافی است فرد نابینا با قرار دادن عصا روی اولین پله یا لمس دستگیره متحرک از جهت حرکت آن مطلع شود. چنانچه بخواهید او را محکم نگه دارید، ممکن است تعادل حرکت هردو به هم بخورد.

به محض ورود فرد نابینا به واگن کمک کنید تا دستش را به نزدیک‌ترین دستگیره برساند و اگر صندلی خالی وجود داشته باشد، به او خبر دهید. کمک کنید تا صندلی را پیدا کند یا روی صندلی ضربه بزنید یا دستش را بگیرید و به سمت صندلی هدایت کنید. بدانید که او قادر نیست جهت اشاره دست شما را ببیند.



در معابر

اگر شخص نابینایی را در گذرگاهی منتظر می‌بینید، به سمتش بروید و از او بپرسید که آیا کمکی می‌خواهد یا نه. اگر در جای ناامنی ایستاده است، موضوع را به او

خطوط ۱۴۸۰ با دقت و بهره‌مندی از دانش مشاوره سبب کاهش رنج و بحران فرد تماس‌گیرنده می‌شود؛ کارمند نابینایی که برای رئیس اداره متن سخنرانی آماده می‌کند؛ والدین نابینایی که جوانان شایسته‌ای را برای حضور فعال در جامعه پرورش می‌دهند؛ افراد نابینایی که دوستانشان روی قدرت تفکر آنها حساب می‌کنند؛ بنابراین همه ما انسان‌ها بنا بر اصل تفاوت‌های فردی در موقعیت‌های مختلف به کمک یکدیگر نیاز داریم. شکی نیست که هر کس می‌بایست تا جای ممکن سطح توانایی خود را در مسائلی که به‌طور روزمره با آنها سر و کار دارد افزایش دهد.

امروزه دانش و فناوری در کنار یکدیگر موجب افزایش توانمندی افراد دارای معلولیت، از جمله نابینایان شده است.

در ادامه به بررسی تعدادی از موقعیت‌های مختلف می‌پردازیم، از جمله حضور در اتوبوس بین‌شهری، مترو، معابر، فروشگاه و بانک.

در اتوبوس

راننده و کمک‌راننده میزبان مسافران هستند. بهتر است تلاش کند تا فرد نابینا در صندلی‌های جلو بنشیند تا در صورت نیاز به آنها دسترسی داشته باشد. برای دریافت بلیت، پذیرایی و در طول سفر چندین بار به او هر جا که نشسته است سر بزند؛ او را به نام صدا کند و بپرسد که آیا کمکی می‌خواهد یا نه. در زمان توقف، خود راننده به یکی از مسافران پیشنهاد کند که فرد نابینا را همراهی کنند تا ضمن حفظ کرامت انسانی فرد نابینا او هم از این زمان استفاده کند. حواسش به تنظیم ارتفاع اتوبوس باشد تا افراد با توانایی‌های محدود، فاصله پله آخر تا زمین را با خیال آسوده‌تری طی کنند.

از مسافر نابینا بپرسد که در مقصد به چه کمکی نیاز دارد. آیا دقیقاً می‌داند کجا باید پیاده شود؟ کسی به دنبالش می‌آید؟ قرار است در ترمینال پیاده شود یا بیرون از ترمینال راحت‌تر ماشین پیدا می‌کند؟ همچنین بعد از

عکس‌های سه‌بعدی که نابینایان هم می‌توانند آنها را تجربه کنند گردآوری و ترجمه: میثم امینی



در سال‌های اخیر فناوری چاپ سه‌بعدی در جهان گسترش بسیاری پیدا کرده و بسیار هم محبوب شده است. در چاپ سه‌بعدی، یک مدل سه‌بعدی که در واقع یک پرونده الکترونیکی است به یک شیء سه‌بعدی، مثلاً یک مجسمه تبدیل می‌شود که این شیء می‌تواند از ماده‌های مختلفی، مثل انواع پلاستیک و حتی فلز تشکیل شده باشد. سه‌بعدی بودن نتیجه این نوع چاپ، این فناوری را برای افراد نابینا و کم‌بینا بسیار مفید ساخته است، مثلاً یک مدرسه ویژه نابینایان به‌جای اینکه مجبور باشد مدل‌های گران‌قیمت از عناصر طبیعی، سیاره‌ها، باکتری‌ها، ویروس‌ها و ... را با دشواری وارد کشور کند یا به توصیف این موارد بسنده و دانش‌آموزان خود را از یادگیری کامل و جامع مواد درسی محروم کند، می‌تواند مدل‌های سه‌بعدی مورد نیاز خود را که معمولاً در اینترنت موجود است، دریافت و آنها را با چاپگر سه‌بعدی خود یا در نزدیک‌ترین مرکز مجهز به چاپگر سه‌بعدی، به هر تعداد و با هر موادی که لازم است، چاپ کند و در اختیار دانش‌آموزان خود قرار دهد، حتی اگر مدل مورد نیاز موجود نبود، مدرسه می‌تواند یک مدل‌ساز سه‌بعدی را استخدام کند تا مدل مورد نیاز را طراحی و پرونده مدل آن را برای چاپ در اختیار مدرسه قرار دهد.

اطلاع دهید و کمک کنید تا به جای امنی برسد. ممکن است فرد نابینا زیر بارش باران و یا زیر تابش آفتاب منتظر کسی ایستاده باشد، درحالی‌که بیشتر از یک متر با سایبان فاصله ندارد. حواستان باشد که او هم مثل شما می‌خواهد زیر سایبان بماند.

در فروشگاه

چنانچه کارمند یک فروشگاه هستید، به محض ورود فردی نابینا به سمتش بروید، خود را معرفی کنید و پرسید چه کمکی می‌خواهد. تلاش کنید تا خودتان یا یکی از همکارانتان در طول خرید او را همراهی کند.

در بانک

اگر مشتری بانک هستید، با ورود فرد نابینا به سمتش بروید و از او پرسید آیا شماره می‌خواهد یا نه. بهتر است افراد نابینا هم شماره دریافت کنند و در نوبت خود به سمت باجه مورد نظر بروند. تجربه ثابت کرده که در این صورت کارمندان بانک برخورد مناسب‌تری دارند.

اگر کارمند بانک هستید و مایل هستید به کار فرد نابینا زودتر رسیدگی کنید، او را به سمت خودتان راهنمایی کنید.

صحت اطلاعات مندرج در فرم‌های فرد نابینا را با او بررسی کنید و مراقب حفظ حریم شخصی او باشید.

نتیجه اینکه با افراد نابینا صحبت کنید. آنها را در جریان موقعیتی که در آن هستند قرار دهید. اگر با او آشنا هستید، به محض دیدنش، بی‌اغراق، جذابیت‌های ظاهری‌اش را به او بگویید. اگر ناهماهنگی در وضعیت ظاهری او می‌بینید، آهسته او را مطلع کنید و در صورت امکان کمک کنید تا مشکل برطرف شود. اگر در مسیر حرکتش مانعی وجود دارد، یک‌بار طوری که بشنود اسم مانع را بگویید.

نکته در این باره بسیار است. تا شما مخاطبان گرامی چه بیسندید.

روزهایتان پر از شوق زندگی!

تعداد مدل‌های سه‌بعدی در این کتابخانه بسیار کم است و بیشتر آنها مدل‌های مفیدی نیستند، اما امیدواریم که در آینده مدل‌های بیشتر و بهتری در این کتابخانه ارائه شود.

علاوه بر ایجاد امکان استفاده از منابع موجود، فناوری سه‌بعدی راه را برای افراد خلاق باز کرده است تا با استفاده از آن زندگی نابینایان و کم‌بینایان را بهبود ببخشند، مثلاً اخیراً یک دانشجوی ایرلندی با استفاده از خلاقانه از فناوری چاپ سه‌بعدی، عکاسی را به دنیای نابینایان و کم‌بینایان آورده است. در ادامه این مطلب با پروژه عکاسی سه‌بعدی مک‌اووی آشنا می‌شویم.

مدرسه هنر بلفاست دانشگاه اولستر، دانشگاهی در ایرلند شمالی، اخیراً نمایشگاه سالانه خود را برگزار کرد که در آن دانشجویان سال آخر فرصت به نمایش گذاشتن آثار خود را داشتند. در میان آثار برجسته این نمایشگاه، یک سری عکس‌های سه‌بعدی نوآورانه با عنوان «فضای میان» دیده می‌شد که دانشجوی عکاسی، امیلی مک‌اووی، آنها را طراحی کرده بود.

مک‌اووی از والدینش که یکی کم‌بینا و دیگری نابینا است، الهام گرفت تا عکس‌های قابل لمس را طراحی کند که با ارائه روشی جدید و همه‌شمول برای تجربه عکس‌ها، این امکان را ایجاد کند که افراد نابینا و کم‌بینا هم بتوانند از آنها لذت ببرند.

مک‌اووی در طراحی عکس‌های سه‌بعدی خود از ماده‌ای به نام «لیتوفان» استفاده کرده است؛ ماده‌ای شفاف که در قرن نوزدهم میلادی محبوب بود و می‌توان آن را در ضخامت‌های مختلف قالب‌گیری کرد. وقتی از پشت به لیتوفان نور تابانده می‌شود، یک تصویر تشکیل داده می‌شود، البته فرایندی که مک‌اووی از آن استفاده می‌کند، بسیار مدرن‌تر از آن چیزی است که در قرن نوزدهم مورد استفاده قرار می‌گرفت. او یک پرونده با قالب جی‌پی‌ای‌جی را با استفاده از یک نرم‌افزار تولید لیتوفان به یک پرونده با قالب اس‌تی‌ال تبدیل می‌کند و

همچنین یک موزه آثار باستانی می‌تواند با گرفتن تصاویر سه‌بعدی از اشیایی که به دلیل قدمت، ظرافت و ارزششان قابل لمس نیستند، یک مدل سه‌بعدی از آنها ایجاد کند و به بازدیدکنندگان خود، از جمله بازدیدکنندگان نابینا و کم‌بینا اجازه دهد این مدل‌ها را لمس کنند.



اینها فقط دو مورد از کاربردهای چاپ سه‌بعدی برای نابینایان و کم‌بینایان است که کارایی این فناوری را برای بهبود زندگی نابینایان، به‌خصوص در زمینه آموزش به نمایش می‌گذارد.

منابع مختلفی در اینترنت وجود دارد که به‌صورت رایگان یا با پرداخت هزینه، مدل‌های سه‌بعدی مختلفی را برای چاپ سه‌بعدی در اختیار ما قرار می‌دهند، مثلاً سازمان ناسا مجموعه‌ای از مدل‌های سه‌بعدی رایگان قابل چاپ را در اختیار همگان قرار داده است که می‌تواند برای افراد نابینا و کم‌بینای علاقه‌مند به فضا، منبع ارزشمندی باشد، مثلاً اگر کنجکاوید که بدانید تلسکوپ جیمز وب چه شکلی است، می‌توانید مدل سه‌بعدی آن را از این منبع دریافت و چاپ کنید.

همچنین مؤسسه غیرانتفاعی خانه چاپ آمریکا که با عنوان «ای‌پی‌اچ شناخته می‌شود و بیش از یک و نیم قرن است که خدمات آموزشی را به نابینایان و کم‌بینایان آمریکایی ارائه می‌دهد یک کتابخانه تصاویر دارد که در بین تصاویری که در آن ارائه شده است، تعدادی مدل سه‌بعدی هم موجود است. با ثبت نام در این کتابخانه و ورود به آن می‌توانید مدل‌های سه‌بعدی موجود را دریافت و آنها را چاپ کنید، البته در حال حاضر

مشاغل از نگاه سم سیوی

مترجم: مریم مشایخی

ما در این سری برنامه‌ها با افراد نابینایی صحبت می‌کنیم که در شغل خودشان موفق هستند و امیدواریم ایده‌هایی به ذهن شما برسه راجع به شغل‌هایی که برای شما مناسبه. امروز هم یه مهمون خوب داریم. من به همراه دوستم، چارلی کالینز، اینجا هستیم. خب چارلی! از مشکل بینابیت برامون بگو. چشمتا چی شدن؟

- خب بله! تو چشمای من لکه‌های زرد هست. بهش می‌گیم «اشتارگارت» یا «دژنراسیون ماکولا». من چهارتا خواهر و یه برادر دارم. از ما شش تا، چهارتامون مشکل بینایی‌مون تو سن خیلی کم تشخیص داده شد. اون موقع من نه سالم بود. ولی وقتی سیزده سالم شد، به‌صورت رسمی، گواهی نابیناییم رو از ایالت کنتیکت گرفتم و فهمیدم که از نظر قانون نابینا هستم و الان پنجاه و پنج سالمه.

- تبریک می‌گم [با خنده]. خب! بعداً راجع به شغل‌های قبلیت حرف می‌زنیم. فعلاً بهمون بگو الان چی کار می‌کنی.

- در حال حاضر دارم روی یه آموزشگاه پُر رونق برای نابینایان کار می‌کنم. یه آموزشگاه برای خانواده‌ها، پدر مادرها، عزیزان و نزدیکان نابیناها و کلاً کسانی که با نابیناها و کم‌بیناها زندگی می‌کنن و خود نابیناها و کم‌بیناها و قراره زنجیره حرف‌هایی مثل «نمی‌دونم کجا برم»، «نمی‌دونم چه شکلی آماده بشم» و ... رو قطع کنیم، چه برای کارهایی مثل سر کار رفتن، چه پذیرفته شدن به‌عنوان یه عضو نابینا در خانواده و چه گذار از دبیرستان به کالج، از دبیرستان به محیط کار و کلاً گذارهایی که همه ما در زندگی تجربه می‌کنیم. تمرکز من روی این جور مسائله. ما می‌خوایم بستری بسازیم که افراد بتونن آموزش‌های لازم رو ببینند، گواهی بگیرن و اساساً اعتماد و اطمینان لازم رو به خودشون پیدا کنن و بدونن مهم نیست چه کاری، اونا می‌تونن هر کاری رو

آن را برای چاپ سه‌بعدی می‌فرستد. مک‌اووی با استفاده از ضخامت‌های مختلف، در عکس‌های خود بافت ایجاد کرده است که افراد نابینا و کم‌بینا را قادر می‌سازد از طریق لمس این عکس‌ها را کاوش و تفسیر کنند.

هنر مک‌اووی به‌عنوان هنری انقلابی ستایش شده است و او اخیراً جایزه معتبر عکاسی «جیل تاد» را دریافت کرده است که برای آثار او توجه و اثربخشی بیشتری را به ارمغان می‌آورد.

مک‌اووی در دوره کارشناسی ارشد عکاسی هنرهای زیبا در دانشگاه اولستر پذیرفته شده است؛ جایی که او قصد دارد طرح خود را بیشتر توسعه دهد. هدف نهایی او ایجاد عکس‌های سه‌بعدی است که به کمترین توصیف ممکن نیاز داشته باشند و به افراد با آسیب بینایی این اجازه را بدهند که به‌طور مستقل از این رسانه لذت ببرند.

عکس‌های سه‌بعدی انقلابی مک‌اووی فرصت‌های جدیدی را برای افراد نابینا و کم‌بینا برای تجربه و تعامل با عکاسی ایجاد کرده است. با بهره‌گیری از لیتوفان و عناصر لمسی، مک‌اووی مجموعه‌ای از آثار هنری را ایجاد کرده است که شکاف بین ادراک دیداری و لمسی را پر می‌کند. مک‌اووی که به‌خاطر رویکرد نوآورانه‌اش شناخته شده است، به‌گسترش پروژه‌اش و دستیابی به مخاطبین بیشتر متعهد است تا زندگی افراد دارای آسیب بینایی را از طریق هنر خود غنی کند.



- وقتی جوون بودم شروع کردم به چمن‌زنی؛ چمن‌زنی برای بقیه، برای همسایه‌ها. وقتی چمن‌ها رو کُپه می‌کردم، مثلاً می‌شد پنج جعبه چمن، خیلی ذوق می‌کردم، البته اینا به پدر مادرم برمی‌گرده؛ اونا بودن که من رو وادار می‌کردن کارهای خونه رو انجام بدم، اونا من رو وادار می‌کردن چمن‌ها رو کوتاه کنم، یا از من می‌خواستن جارو کنم و همه‌چیز رو تمیز نگه دارم، اونا بودن که من رو وادار می‌کردن چوب‌ها رو جمع کنم. روزی رو که بابام بهم یاد داد از اره‌برقی استفاده کنم یادمه. هیچ وقت نگفت تو نمی‌بینی و نمی‌تونی و این حرف‌ها. فقط گفت این شکلیه و باید یادش بگیری، باید بدونی که این شکلی چمن‌ها رو می‌زنن. فقط مراقب باش دندونه‌هاش ممکنه آسیب بزنن. این جور بود که چمن‌ها رو می‌زدم، بعد باغچه‌های پیاده‌روها رو بیل می‌زدم و بعد با خودم گفتم می‌تونم پول دربیارم، پس تو یه کلاب تابستونی تنیس و شنا شروع به کار کردم، اونجا مسئول زمین تنیس بودم و زمین رو جارو می‌کردم. خیلی هم کارم رو دوست داشتم. بعد یه پیشنهاد کار برای ساخت و بازسازی زمین تنیس گرفتم و پذیرفتم، حتی با همکارام زمین تنیس رو هم رنگ کردیم. خیلی هم تو این کارها موفق بودم. بعد از اون تو قسمت خرده‌فروشی یه فروشگاه لوازم اسکی کار کردم. من اونجا چکمه و لوازم اسکی می‌فروختم. چون اسکی رو هم خیلی دوست داشتم؛ خیلی بهم خوش گذشت و یه عالمه یاد گرفتم. حالا قدر همه چیزهایی رو که به‌سختی یاد گرفتم می‌دونم سم! چه صبح‌هایی که آرزو می‌کردم بارون بیاد، من نرم سر کار. حقوقم که خوشحالم می‌کرد؛ با همه این داستانا وقتی بیدار می‌شدم، برای سر کار رفتن اون قدرها هیجان نداشتم، شاید چون کارم در مسیر هدف اصلیم نبود. کارم سخت بود، اما هیچ وقت مشتاقانه منتظر لحظه سر کار رفتن نبودم. فقط رفتم و به خاطر همین هم روزبه‌روز که توی کارهای مختلف موفق می‌شدم و می‌تونستم انجامشون بدم، احساس بهتری داشتم، عزت‌نفسم بیشتر می‌شد و پیشرفت می‌کردم. به‌خاطر همین هم همیشه به آدم‌ها می‌گم

که می‌خوان تو زندگی انجام بدند شروع کنند. ما این بستر رو فراهم کردیم و هدف اصلی من فقط اینه که در رو باز کنیم، این فکر به ذهنمون برسه: «یه لحظه صبر کن، اگه یه نفر این کار رو انجام داده، پس حتماً منم می‌تونم، حتماً می‌شه، شاید منم بتونم از فرصت استفاده کنم، خطر کنم و شروع کنم به انجام کاری که بیش از هر چیز آرزوی انجام دادنش رو تو زندگیما داشتیم».

- بله! چیزی که من همیشه به همه می‌گم و مطمئنم که تو هم باهام موافقی، اینه که واقعاً ما ویژگی عجیب‌گرایی نداریم. نه اینکه ما سوپرمن باشیم و خیلی کار شاقی انجام بدیم. ما فقط خیلی عادی تصمیم می‌گیریم و انجامش می‌دیم.

- کاملاً حرف حساب می‌زنی سم! ما در محل کار از شیوه‌های مختلفی برای انجام کارامون استفاده می‌کنیم. ما کارامون رو انجام می‌دیم، چون نیاز داریم انجامشون بدیم و بنابراین روی این کارها تمرکز می‌کنیم و پیش می‌ریم.

- پس این کاریه که شما در آموزشگاهتون به افراد کمک می‌کنید تا انجامش بدن؟

- بله!

- خیلی عالی! چند وقته که مشغول به این کار هستی؟

- آموزشگاه حدوداً یک‌سال پیش تأسیس شد، البته قبل از اون ما باید زیرساخت‌ها رو فراهم می‌کردیم. درگاهی رو برای عضویت ایجاد می‌کردیم، آماده کردن ویدیوها و طراحی دوره‌ها و البته آگاهی‌بخشی راجع به این بستر، و در مجموع وقت زیادی رو برای آگاهی‌بخشی و دعوت افراد برای پیوستن به ما صرف کردیم.

- و اما شغل‌های قبلیت، بهمون بگو قبل از این چه شغل‌هایی رو تجربه کردی؟ تا جایی که من می‌دونم تو طومار بلندی از شغل‌ها رو تو این سال‌ها داشتی. یه کم از این قصه برای ما هم بگو.

نسل‌مانا

پیشنهادت رو می‌پذیرم، ولی تو باید یه چیزی رو بدونی. راستش می‌خواستم بهش بگم: تو دیوونه‌ای! من نابینا هستم، اما این رو بهش نگفتم. می‌خواستم ازش بپرسم: تو اصلاً چرا من رو استخدام کردی؟ من اصلاً نمی‌تونم از پس کار تو بر بیام. من فقط باید چمن‌ها رو کوتاه کنم و این همه کاریه که ازم برمی‌آد. ولی خب! همه می‌دونیم یه چیزی درونمون در تب و تابه. من می‌دونستم باید کاری رو که اون ازم می‌خواه شروع کنم، ولی اینم می‌دونستم که نمی‌تونم اصلاً از پس این کار برمی‌آم یا نه. خلاصه بهش گفتم: بله! ولی تو می‌دونی که من نابینا هستم. اون گفت: می‌دونم که مشکل بینایی داری، ولی این برای من مسئله‌ای نیست. من این جور می‌بودم که: جدی می‌گی؟ برای خودم که تقریباً همیشه مسئله‌ست! اون گفت: من به تو باور دارم، من فکر می‌کنم با اومدن تو به اینجا و آموزش ما تو می‌تونی دارایی خوبی برای کسب و کار ما باشی، پس هیچ وقت یادت نره که ما به تو باور داریم. من به این جمله بیش از هر چیزی تو زندگی‌م نیاز داشتم. به‌خاطر همینم هست که همیشه به آدمای می‌گم بهشون باور دارم، چون می‌دونم که این نابینایی نیست که ما رو متوقف می‌کنه، بلکه داستان پشت نابینایی‌مونه. وقتی این داستان برای من تغییر کرد، درها شروع به باز شدن کردن و من شدم مدیر فروش. به‌جز من فقط دو نفر دیگه بودن، ولی فکر کن! من رئیس بودم. چه‌طور ممکنه؟! من نمی‌دونم. من فقط شروع کردم. خیلی بااشتیاق در مورد اجناس حرف می‌زدم و همه دفترچه‌ها و مجله‌ها رو می‌خوندم. بعد از سه سال شدم نایب‌رئیس و سهام‌دار بخشی از اون شرکت چند میلیارد دلاری. روزی که من با اون ترس فلج‌کننده به جیمبو جواب مثبت دادم، نقطه عطف زندگی من بود. اون روز بود که به آدمایی که می‌خواستن با وجود نابینایی من بهم کمک کنن، پاسخ مثبت دادم. این اولین بار بود که من تو زندگی‌م کمک خواستم و این اتفاق برای من هیجان‌انگیز بود.

منتظر نباشید که با تمایل کاری رو انجام بدید، چون هیچ وقت انجامش نمی‌دید. انجامش بدید و بعد می‌بینید همون حسی رو دارید که قبلاً انتظارش رو داشتین.

بعد از اون رفتم تو کار خرید و فروش موتورسیکلت و از این راهم پول درآوردم. یه روز که کنار یه فروشگاه موتورسیکلت بودم، صاحبش اومد بیرون و من چون دلم می‌خواست اونجا اعتبار کسب کنم، بهش پیشنهاد دادم کار چمن‌زنی براشون انجام بدم. این بهترین قسمت ماجراست سم؛ اینکه تو هیچ وقت نمی‌دونی چه اتفاقی می‌افته. وقتی پیشنهاد خدمات چمن‌زنی رو به فروشگاه موتورسیکلت دادم، شغل داشتم، اما می‌خواستم روزهای شنبه که تعطیل بودم، این کار رو انجام بدم، چون موتور دوست داشتم و می‌خواستم اونجا باشم. به مدیر فروشگاه گفتم: من می‌تونم برای شما چمن‌زنی انجام بدم؟ گفت: باشه. بهش گفتم: من شنبه‌ها و حتی یکشنبه‌ها می‌تونم پیام و این کار رو انجام بدم. اون گفت: تو باید علاوه‌بر چمن‌زنی، مانیتورها و موتورسیکلت‌ها رو هم جابه‌جا کنی. گفتم: می‌دونم و اصلاً به‌خاطر همین این کار رو دوست دارم. برای کار باید کلیدها رو می‌گرفتم، می‌رفتم بیرون و موتورها رو استارت می‌زدم و از روی چمن‌ها می‌آوردم بیرون و وقتی که خیالم راحت‌تر شد، موتورها رو تا یه کم دورتر می‌روندم ... یه روز مدیر فروشگاه اومد زد رو شونه‌م و بهم گفت: هی! تو دلت می‌خواه اینجا کار کنی؟ و این اولین بار بود که با ترس به این بزرگی مواجه شدم. از خودم پرسیدم: چرا این کار رو از من، خواست؟ من که نابینام! بهش گفتم: از من می‌خواهی چه کاری انجام بدم؟ گفت: می‌خوام موتورسیکلت بفروشی. من بهش گفتم: بذار کمی فکر کنم، بعد بهت می‌گم. بعد رفتم خونه و یادمه به مامانم گفتم: حالا واقعاً باید از مغزم استفاده کنم. من قراره فروشنده باشم و با مردم ارتباط داشته باشم. من توی هیچ کدوم از کارهایی که انجام دادم، با مردم در ارتباط نبودم و اینجا جایی بود که باید شروع می‌کردم. فرداش رفتم فروشگاه، اسم مدیر «جیمبو» بود. به جیمبو گفتم: جیمبو! من

یک دادرسی عادلانه و امکان ایفای نقش‌های متعدد در موقع لزوم، در اختیار داشته باشند.

دکتر سرگران در بیان مهم‌ترین ضرورت در نظر گرفتن تدابیر ویژه برای دادرسی معلولان، اضافه می‌کند: معلولان در مراحل دادرسی به دلیل شرایط معلولیت و دسترس‌پذیر نبودن فضاها و امکانات، ممکن است با موانعی مواجه شوند، باید همسان‌سازی و تمهیداتی در نظر گرفته شود تا فرد دارای معلولیت در هر جایگاهی که در دادرسی حضور پیدا کرده است، بتواند در شرایط برابر با سایرین حضور داشته باشد و حقی از او تضییع نشود؛ به‌عنوان مثال نبودن آسانسور در ساختمان محل برگزاری جلسه دادگاه و عدم امکان حضور شخص دارای معلولیت جسمی حرکتی در جلسه دادرسی در وقت مقرر یا عدم امکان مطالعه پرونده توسط شخص نابینا، به‌عنوان یکی از اصحاب دعوا، یکی از این موارد است.

او در خصوص تدابیر موجود در قوانین دادرسی در مورد این دسترس‌پذیری و همسان‌سازی، اقدام پیش‌بینی شده را محدود به شروع دادرسی می‌داند و اذعان می‌کند در جریان دادرسی امکانات چندانی وجود ندارد.

این وکیل دادگستری و کنشگر حوزه معلولان یادآوری می‌کند: در شروع طرح دعوی، اگر شخص دارای معلولیت، تحت پوشش سازمان بهزیستی و مستمری‌بگیر این سازمان باشد و معرفی‌نامه مربوط را همراه داشته باشد، از پرداخت هزینه دادرسی و هزینه دفاتر خدمات قضایی معاف است. معافیت از پرداخت هزینه دادرسی، شامل شوراها، حل اختلاف و دیوان عدالت اداری هم می‌شود.

سرگران اضافه می‌کند: در طول جلسات دادرسی در خصوص فراهم شدن سازوکار مطالعه پرونده و نوشتن صورت‌جلسه دادگاه توسط فرد نابینا یا امکان همراه داشتن مترجم توسط ناشنویان، قانون ساکت است و شعبه‌های مختلف، رویه‌های مختلفی در این خصوص دارند، البته قوه قضاییه در طی سال گذشته، دستورالعملی

روند دادرسی افراد دارای معلولیت

نگین حیدری : کنشگر حوزه حقوق معلولان



در پنجمین شماره از مجموعه «معلولان و قوانین ایران»، در گفتگو با دکتر ناصر سرگران، استاد دانشگاه، وکیل دادگستری و کنشگر در حوزه حقوق معلولان، با موضوع روند دادرسی افراد دارای معلولیت با شما همراه هستیم.

مهمان این شماره در مقدمه توضیح می‌دهد که هر یک از افراد، بنا به دلایل مختلف، ممکن است در سیستم قضایی و شبه قضایی در نقش‌های مختلف، از جمله خواهان، خوانده، شاکی، طرف شکایت، شاهد و مطلع، قیم یا وکیل یکی از طرفین دعوا حضور پیدا کنند. در صورت لزوم طرح دعوا یا شکایت یا پاسخ به دعوا یا شکایت طرح‌شده؛ حضور در دفاتر خدمات قضایی، برای ثبت دادخواست یا شکوائیه یا پاسخ به دعوی طرح‌شده، دریافت ابلاغیه‌ها یا حضور در مراجع قضایی و ... همه از اجزا و ارکان یک دادرسی است.

او ادامه می‌دهد: در تمام این مراحل باید تدابیری در نظر گرفته شود که حضور شخص تنها از جهت دعوای مطرح‌شده باشد و بار بیشتری به دوش نکشد و طرفین و سایر اشخاص حاضر در دعوا ابزارهای برابری برای

الکترونیک قوه قضاییه مشکلی، ندارد و این سامانه برای استفاده وکلای نابینا در بیشتر موارد دسترس‌پذیر است. او اضافه می‌کند: اگر شخص دارای معلولیت در دعوایی محکوم شود، در مرحله اجرای حکم، با توجه به صراحت قانون، مستمری شخص دارای معلولیت قابل توقیف نیست. جامعه افراد دارای معلولیت از یک سو باید از این معافیت‌ها آگاه باشند و از سوی دیگر از هر یک به شکل شایسته استفاده کنند تا این حداقل‌ها را از دست ندهند و مورد سوءاستفاده دیگران قرار نگیرند.

مهمان این شماره از سلسله نوشته‌های معلولان و قوانین ایران، نقطه مطلوب دادرسی افراد دارای معلولیت را، وجود امکان برابری آنها با دیگران در هر جزء از روند دادرسی می‌داند.

علاقه‌مندان به آشنایی با مباحث مربوط به دادرسی ویژه افراد دارای معلولیت، می‌توانند مشروح این گفتگو را در پادکست ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل مانا نیز قابل دریافت است، دنبال کنند.



با عنوان حقوق افراد دارای معلولیت در دستگاه قضایی و زیرمجموعه‌های آن را در دستور کار خود قرار داده که نهایی و ابلاغ شده است که اجرای آن در عمل بسیاری از مشکلات در این خصوص را برطرف می‌کند. در بیشتر موارد، معلولان به دلیل حقی که به واسطه معلولیت از آنها تضییع شده است، مثلاً حقوق استخدامی، دعوی خود را در دیوان عدالت اداری مطرح می‌کنند که به دلیل علنی نبودن و حضوری نبودن جلسه‌های دادگاه، در عمل امکان استفاده از ابزارهای پیش‌بینی‌شده در این مرجع وجود ندارد. از طرف دیگر بهزیستی با توجه به قانون حمایت از معلولان در صورت نیاز فرد دارای معلولیت، باید به دفاع از او در محاکم قضایی بپردازد، درحالی‌که بسیاری از دعاوی معلولان به طرفیت این سازمان مطرح می‌شود. در این موارد نقش حمایتی بهزیستی در تضاد با موقعیت تدافعی به وجود آمده در دعوی مطرح‌شده قرار می‌گیرد.

مهمان این شماره در خصوص امکان نقض رأیی که به دلیل فراهم نبودن دسترسی‌ها و بهره‌گیری از ابزارهای مختلف علیه فرد دارای معلولیت صادر شده، به عدم آشنایی قضات با شرایط و وضعیت خاص گروه‌های مختلف معلولان و تأثیر این عدم دسترس‌پذیری‌ها در تضییع حقوق معلولان می‌پردازد و به رأیی از دیوان عالی کشور در این خصوص اشاره و بر ضرورت آموزش قضات و وکلا و آشنا کردن آنها با نیازهای ویژه معلولان در روند دادرسی، در دوره‌های کارآموزی تأکید می‌کند. در هر حال اگر حقی در دادرسی به دلیل معلولیت از فردی تضییع شد، باید در دعوی به این مطالبه‌گری‌ها و درخواست نقض این آرا پرداخت تا ذهن سیستم قضایی به این سمت حرکت کند. در اصلاحیه قانون دیوان عدالت اداری، انجمن‌ها و سمن‌ها هم در مواردی که حقی به دلیل معلولیت از فردی تضییع شده باشد، می‌توانند طرح دعوا کنند.

سرگران توضیح می‌دهد که در مقام وکیل اصحاب دعوا، در استفاده و کار با سامانه عدل ایران، ویژه ابلاغ

سرانگستان زن نابینا، در جستجوی طلای سرخ



نسل‌مانا

صحبت کشت زعفران و کسب درآمد از این گل زیبا نقل محافل بسیاری باشد، اما شاید کمتر کسی توانایی افراد نابینا در کشت زعفران و اشتغال نابینایان در این حیطه را تصور کند. بله! کشت زعفران از جمله مشاغلی است که نابینایان می‌توانند به آن بپردازند. مشاهده موفقیت خانم ناهید شیخه‌پور در کشت زعفران در منطقه کرمانشاه، دلیلی بر این ادعای ماست.

ناهید شیخه‌پور از نخستین کسانی است که پس از مشارکت در کلاس‌های وزارت جهاد و کشاورزی در سال ۱۳۹۱ کشت زعفران را وارد کرمانشاه کردند. او در گفتگو با نسل مانا اظهار داشت که این طلای سرخ به آب کمی نیاز دارد و خاک خیلی مرغوبی هم نمی‌خواهد و در زمین‌های با خاک درجه ۲ هم می‌روید. مهرماه، زمان مناسبی برای آبیاری این محصول است و این زمانی است که سایر محصولات کشاورزی برداشت شده‌اند، اما کار به این سادگی‌ها هم نیست و اگر آبیاری زودتر انجام شود، علف‌ها بیشتر از گل‌ها رشد می‌کنند و برداشت محصول را با مشکل مواجه می‌کند.

این نابینای موفق کرمانشاهی، کشت زعفران را از مرحله کاشت تا برداشت، شغلی مناسب برای نابینایان می‌داند، چون یک‌بار محصول را می‌کارید و هفت یا هشت سال در پاییز، برداشت می‌کنید و اگر با جهاد کشاورزی قرارداد ببندید، مقداری از پیاز محصول را به صورت یارانه‌ای دریافت می‌کنید. گل دهی زعفران با توجه به شرایط آب و هوایی در ماه‌های مهر و آبان است. در روزهای اول، هر روز حدود سه کیلو گل و در روزهای اوج، حداکثر تا روزی صد کیلو گل برداشت می‌شود، اما باید مراقب بود که برای حفظ کیفیت، گل‌ها در همان روز شکوفایی چیده شوند و زیر باران نمانند.

بخش جذاب و آسان این شغل برای نابینایان، جداسازی پرچم‌های زیبای زعفران از گل‌هاست. به این صورت که سه رشته در وسط گل هست که باید محل اتصال این سه رشته از گل جدا شود. توانایی افراد نابینا در

زعفران می‌خواند از هر سو به سوی خویشتن

کشتبان و مرد دهقان و همه خرد و کلان

بیشتر از آنکه آید ز خاور خرامان جام زر

بهر گل چیدن در آید مرد دهقان، شادمان

تازه گردد وقت گل چیدن ز بوی خوش مشام

خنده بر لب‌ها نشاند سکر مستی بی‌گمان

در گل شش‌برگ زیبا و ظریف زعفران

یک کلاله با سه پرچم شد نهان

از کلاله، زعفران سرخ‌رنگ آید پدید

دل‌پسند و جالب و جذاب چونان ارغوان

سودها جویند زین گل در ره طبخ غذا

از برای رنگ و بوی و بهر زیبایی نان

شاید کمتر کسی باشد که گل زعفران را نشناسد. زعفران با گلبرگ‌های بنفش و پرچم‌های نارنجی یکی از زیبایی‌های وصف‌ناپذیر طبیعت است، اما امروزه این گل شگفت‌انگیز علاوه بر زیبایی وصف‌ناپذیر، به محصولی کشاورزی پرتعداد و تجارتي پرسود بدل شده است. در گذشته‌های نه‌چندان دور، کشت زعفران بیشتر در منطقه خراسان انجام می‌شد، اما اکنون این محصول در بیشتر مناطق ایران کشت می‌شود و این موجب شده که

تحریم پشت تحریم: نگاهی به آثار

فیلترینگ بر فعالیت‌های نابینایان

رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه معلولان

چند سالی بود که اینترنت، شبکه‌های مجازی و پلتفرم‌های مختلف توانسته بودند تا حد زیادی آموزش، تدریس، مشاوره، اشتغال، دسترسی به منابع علمی و ... را برای افراد دارای معلولیت و در رأس آنها برای نابینایان تسهیل کنند.

نابینایان با استفاده از این امکان تا حدود زیادی از درس‌های تبدیل نوشتار به بریل، دریافت ویدئوهای آموزشی، وابستگی به اطرافیان در تبدیل محتوای کتاب‌ها به صدا و ... آسوده شده و در دنیای بی‌انتهای اینترنت قادر شده بودند به محتوایی بیش از محتوای موجود در وبگاه‌ها و پلتفرم‌های داخلی که در ابتدای این راه طولانی قرار داشت، دست پیدا کنند. اکنون بیشتر از یک سال از فیلترینگ پلتفرم‌های مختلف می‌گذرد و این رویداد بیش از هر گروه دیگری نابینایان را محدود کرده است.

فیلترینگ یا تخریب روحی

هاله حقیقی، دانشجوی رشته حقوق در مقطع کارشناسی ارشد، می‌گوید: عواقب فیلترینگ همان اندازه که روی دسترسی‌ها تأثیر گذاشته، همان اندازه هم تخریب روحی و روانی به همراه دارد.

این دانشجوی نابینا ادامه می‌دهد: سایت یوتیوب یکی از سایت‌هایی است که دست کم برای بچه‌های نابینا در همه زمینه‌ها محتوای عالی و آموزشی دارد و همه مباحث با ویدئو و صدا در اختیار بیننده قرار می‌گیرد و بسیار خنده‌دار است که حتی دسترسی به یوتیوب محدود می‌شود و همراه با آن بخش مهمی از زندگی ما باید از هم بپاشد.

وی اضافه می‌کند: تصمیم‌گیرندگان فیلترینگ یا باید پیش از اقدام خود از تحقق کامل خواسته‌های نابینایان

به‌کارگیری لامسه و جداسازی پرچم‌ها تنها با لمس کردن و بدون نگاه کردن، موجب شده این کار برای نابینایان بسیار راحت‌تر از دیگران باشد و شما می‌توانید حدود دو کیلو گل را در یک روز پاک کنید. پس از جداسازی پرچم‌ها باید آنها را در سینی یا روی پارچه نخی در معرض گرمای ملایم، کاملاً خشک کنید و اگر این کار به‌درستی انجام نشود، زعفرانتان کپک می‌زند، اما اگر این فرایند به‌درستی انجام شود؛ برخلاف سایر محصولات کشاورزی که برای جلوگیری از خراب شدن باید زود به فروش برسند، می‌توانید زعفران را تا سه یا چهار سال در ظروف شیشه‌ای دردار و در جاهای کم‌نور مانند کابینت نگه داشت؛ گویی همیشه در جیب‌تان پول نقد دارید و می‌توانید محصولاتتان را در هر فصلی از سال بفروشید.

ناهید شیخه‌پور در پایان اظهار داشت: با توجه به شرایط اقتصادی کنونی و دشواری اشتغال نابینایان، کشت زعفران، گزینه مناسبی برای اشتغال و حتی کارآفرینی است.

او همچنین آمادگی خود را برای راهنمایی کسانی که قطعه زمینی دارند و علاقه‌مند به کشت زعفران هستند، اعلام کرد.



محرومیت به هوش مصنوعی رسید

احمدی همچنین می‌گوید: یکی دیگر از راه‌هایی که از دسترس نابینایان و همه گروه‌های معلولین دور نگه‌داشته شده، هوش مصنوعی است. امروز دنیا با استفاده از هوش مصنوعی انواع پلتفرم‌ها را عرضه می‌کند تا به طرق مختلف تسهیلات بیشتری به زندگی آنها بدهد، اما در ایران نابینایان در نتیجه تحریم‌ها از امکانات روز دنیا و از پلتفرم‌هایی مانند چت‌جی‌بی‌تی، بارد و... محروم مانده‌اند.

او اضافه می‌کند: بسیاری از اپ‌هایی که در تحویل تصویر و توزیع ویدئوها برای افراد نابینا و کم‌بینا به دلیل محدودیت در بینایی کارگشا هستند و می‌توانند آنان را به برابری آموزشی و تحصیلی برسانند، به دلیل تحریم خارج از دسترس آنها هستند.

تبعیض علنی علیه نابینایان

یک کارشناس آی‌تی می‌گوید: فیلترینگ به‌جز تأثیراتی که روی عموم جامعه دارد، در مورد معلولان، به‌ویژه نابینایان تبعیضی علنی است. وحید منصوری بیان می‌کند: نابینایان در سال‌های اخیر بخش مهمی از نیازمندی‌های روزمره خود، به‌ویژه در زمینه تحصیل و درآمدزایی را از اینترنت و شبکه‌های مجازی تأمین می‌کردند و فیلترینگ همه این دسترسی‌ها را مسدود کرد. تقریباً هیچ مسئول و کارشناسی نیست که از این موضوع ناآگاه باشد، پس وقتی این آگاهی از تداوم فیلترینگ بازدارنده نیست می‌توان این رویداد را تبعیضی علنی علیه نابینایان دانست.

پیام‌رسان‌های داخلی، برای نابینایان

مناسب‌سازی نیست

منصوری می‌گوید: مسئولین در پاسخ به چگونگی پایان دادن به تبعات فیلترینگ در زندگی معلولان، استفاده از منابع و پیام‌رسان‌های داخلی را توصیه می‌کنند. این در حالی است که پیام‌رسان‌های داخلی امکان تبدیل

و همه گروه‌های معلولان مطمئن می‌شدند و اطمینان حاصل می‌کردند که این تصمیم تبعاتی برای ما نخواهد داشت و یا از عملی کردن تصمیم خود منصرف می‌شدند. کمترین انتظار آن است که فیلترینگ موقتی اجرا می‌شد و پس از آن زندگی به حالت عادی خود برمی‌گشت. حقیقی ابراز می‌کند: الان ما باید چه کنیم؟ آیا باید تمام آموزش‌ها و محتوایی را که دنیا ویژه نابینایان تهیه و مناسب‌سازی کرده بود نادیده بگیریم و یا برویم و همه راه‌های رفته را از نو طی کنیم؟

تحریم سرگرمی‌های نابینایان، غیرانسانی

است

محسن حسینی، جوان کم‌بینای تهرانی، می‌گوید: ما، نابینایان، جسم کاملاً سالمی داریم، اما به علت محدودیت در بینایی نمی‌توانیم مانند سایرین بدویم، ورزش کنیم و انرژی‌مان را تخلیه کنیم؛ بنابراین بازی‌های اینترنتی و آنلاین جایگزین و سرگرمی مناسبی برای ما به‌خصوص در مواقع تنهایی و کلافگی و مواقعی که ساعت نمی‌گذرد، هستند.

او گله می‌کند: اما در جریان فیلترینگ اخیر حتی برخی مراکز بازی آنلاین که امکان سرگرمی و حتی ارتباط نابینایان را باهم فراهم می‌کردند، فیلتر شده‌اند و این اقدام با عواقبی که در زندگی ما دارد؛ اصلاً انسانی و منصفانه نیست.

لبه‌های تند یک قیچی

یک استاد دانشگاه بیان می‌کند: تحریم و فیلترینگ مانند دو لبه قیچی، شاکله زندگی عادی نابینایان را بریده‌اند. دکتر سید ابراهیم احمدی می‌گوید: درحالی‌که در همه جای دنیا دسترسی‌های معلولان و نابینایان رو به افزایش است، در ایران بسیاری از سایت‌های غنی خارجی که فعالیت بین‌المللی دارند، از دسترس افراد نابینا خارج شده‌اند و آنها به‌جای آنکه در مسیر رشد قرار گیرند به عقب رانده می‌شوند و این با هیچ با منطقی سازگار نیست.

نگاهی به برنامه درسی دانش‌آموزان با

آسیب بینایی

صلاح‌الدین محمدی: دکتری برنامه‌ریزی

آموزشی



نظام آموزش عمومی فرصت و مجال تبدیل شدن کودکان به بزرگسالان کارآمد، شهروندان جهانی و نیروهای فعال و مفید جامعه است. این مهم در صورتی تحقق می‌یابد که راه و کار یادگیری و آموزش را بشناسیم، نسبت به فنون تعلیم و تربیت آگاه باشیم و مواد و محتوای لازم را برای پردازش در این فرایند بشناسیم.

آگاهی از موارد مذکور، خود منوط به داشتن شناخت از توانمندی‌ها، ویژگی‌ها، علاقه‌ها، مشکلات، نیازها و خواسته‌های دانش‌آموزان از یک طرف و رصد نیازهای جامعه، فهم و هضم ویژگی‌های استاندارد شهروند جهانی، آگاهی از مهارت‌های مورد نیاز جامعه امروز و شیوه دست یافتن به آنها و اشراف نسبت به تغییرات و تحولات در عرصه‌های گوناگون، از جمله مقوله تعلیم و تربیت است.

رهاشدگی دردآوری که در نظام آموزشی کنونی کشورمان حاکم است، هرگونه امیدی را برای تربیت شهروندان کارآمد، فعال و واجد مهارت‌های اولیه زندگی، به یأس مبدل کرده است. در گردابی چنین هایل، چه امیدی می‌توان به بهبود و ایجاد تغییرات مثبت در تعلیم

نوشتار به صدا را ندارند و برنامه آنها با بسیاری از گوشی‌های موبایل انطباق ندارد.

وی می‌افزاید: همچنین وبسایت‌های داخلی مثل آپارات استانداردهای دسترس‌پذیری ویژه نابینایان را ندارند و این نکته‌ای است که از دید کارشناسان دور مانده است.

این کارشناس حوزه آی‌تی ادامه می‌دهد: از طرفی عمر تولید محتوای ویژه نابینایان در فضای اینترنت در دنیا به سه دهه می‌رسد و نمی‌توانیم یک گنجینه سی‌ساله را از دسترس نابینایان خارج کنیم و از آنها بخواهیم به سی سال پیش بازگردند و از ابتدا چرخ را اختراع کنند.

مستمری معلولان صرف خرید فیلترشکن

می‌شود

یحیی بردبار، یکی از دانشجویان نابینا، نیز توضیح می‌دهد: مستمری که سازمان بهزیستی به معلولان می‌پردازد، بسیار ناچیز است و از عهده هزینه‌های اولیه آنها هم برنمی‌آید، اما در شرایط کنونی همین مبالغ ناچیز که می‌توانست صرف تأمین بخشی از نیازهای واقعی معلولان شود، صرف تهیه فیلترشکن می‌شود و این بستر معیوب را مسئولان برای معلولان فراهم کرده‌اند.

تحریم پشت تحریم

درحالی‌که عدم مناسب‌سازی فضاهای شهری در اوج تبعیض این گروه از جامعه را از هر نظر محدود و منزوی کرده، حالا محدودیت دسترسی به پلتفرم‌ها و شبکه‌های مجازی هم آنان را که چند سالی بود طعم خوش استقلال و دسترسی به انواع محتوا را چشیده بودند، بیش از پیش محدود کرده است.

این در حالی است که هنوز کارشناسان حوزه ارتباطات و فناوری به این نکته که فضای اینترنت، به جز کاربردهای همگانی برای نابینایان جنبه کمک زیستی هم دارد اهمیتی نداده و به آن اعتراف نکرده‌اند.

وضعیت معلولیت آنها می‌طلبد تا محتوا و منابع بیشتری در برنامه درسی آنها گنجانده و با عنایت به تأخیری که در ابعاد مختلف رشدی دارند، برنامه درسی مناسب برایشان طراحی و اجرایی شود.

نظام‌های آموزشی پیشرو و استاندارد جهانی از این مهم غافل نیستند و برای تأمین نیازهای آموزشی این گروه از دانش‌آموزان، برنامه‌های ویژه با عنوان «برنامه درسی ویژه دانش‌آموزان با آسیب بینایی»^۱ طراحی و اجرایی کرده‌اند.

این برنامه نه حوزه و مهارت اساسی و مختلف را در بر می‌گیرد که تا حدود زیادی کمبودهای رشدی و آموزشی ناشی از آسیب بینایی را جبران می‌کند و دانش‌آموز با آسیب بینایی باید در کنار برنامه درسی عمومی خود از قبیل ریاضی، ادبیات، علوم اجتماعی و ... آنها را نیز یاد بگیرد.

حوزه‌ها و مهارت‌های (ECC)

اولین مهارتی که دانش‌آموزان با آسیب بینایی باید یاد بگیرند و تمرین کنند، مهارت‌های جبرانی و عملکرد تحصیلی^۲ است. این حوزه، شامل حالت‌های مختلف ارتباطی، مهارت‌های لازم برای یادگیری مهارت‌های تحصیلی است، مثلاً دانش‌آموزان نابینا برای خواندن، باید خط بریل را بیاموزند. نمادهای لمسی و زبان اشاره نمونه‌های دیگری از مهارت‌های جبرانی هستند.

دومین عنصر این برنامه، مهارت‌های کارایی حسی^۳ است. این مهارت، به دنبال این است تا به دانش‌آموز بیاموزد که باید از تمام حواس خود مانند باقی‌مانده بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی با هدف کسب مهارت‌های تحصیلی و توسعه مفاهیم استفاده بهینه کنند.

سومین حوزه، مسئله مهم جهت‌یابی و حرکت^۴ است که می‌تواند در زندگی دانش‌آموز با آسیب بینایی، نقش

و تربیت دانش‌آموزان با آسیب بینایی داشت؟ باید از چه کسانی انتظار داشت که طرحی نو دراندازند و از نو نیازها و خواسته‌های این قشر از دانش‌آموزان را ببینند؟

علی‌رغم فضای مایوس‌کننده‌ای که بر فرایند آموزشی و کیفیت خروجی‌های نظام آموزشی حاکم است، نباید دست روی دست گذاشت و به فهرست عدیده مشکلات نظام آموزشی، مشکلات دیگری افزود و آنچه از دست می‌آید انجام نداد.

واقعیت این است که دانش‌آموزان با آسیب بینایی، به علت داشتن چنین اختلالی، بسیاری از اطلاعات و داده‌های محیطی را از دست می‌دهند؛ به همین دلیل رشد آنها در ابعاد گوناگون شناختی، اجتماعی، حرکتی و حتی عاطفی دچار تأخیر می‌شود که با استفاده از مداخله بهنگام و درست، می‌توان بسیاری از این تأخیرها را جبران کرد.

بدون شک مهم‌ترین ابزار مداخله، آموزش استاندارد، آگاهانه، دقیق و صریح در بسیاری از موارد است که باید توسط افراد متخصص، باتجربه، آگاه به امور افراد با آسیب بینایی، آشنا با نیازها، علاقه‌ها، ویژگی‌ها، توانمندی‌ها و روش‌های خاص آموزش این دانش‌آموزان صورت پذیرد.

عدم کارایی، کیفیت پایین علمی، بی‌انگیزگی و سرگشتگی، آفت‌کننده‌ای است که دامن‌گیر نظام آموزشی ما شده و در میان خروجی‌های آموزش و پرورش به چشم می‌خورد، اما مهم‌تر از همه موارد فوق، وضعیتی است که دانش‌آموزان هنگام خروج از نظام آموزش عمومی دارند و از هیچ مهارتی برخوردار نیستند. می‌شود گفت درعمل نظام آموزشی، دوازده سال از بهترین عمر این افراد را به باد داده است.

دانش‌آموزان با آسیب بینایی نیز سرنوشتی بهتر از دانش‌آموزان عادی ندارند و چه‌بسا بدتر هم باشد؛ چراکه

^۲. Sensory Efficiency Skills

^۴. Orientation and Mobility

^۱

^۲. Compensatory and functional academic skills

افراد بینا ساخته شده‌اند؛ بنابراین آموزش استفاده صحیح و ایمن از فضاهای تفریحی و ورزشی را باید بیاموزند. مهم‌ترین مهارت‌هایی که در این حوزه یاد می‌گیرند، شامل مواردی چون برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از اوقات فراغت، پرداختن به ورزش‌های مورد علاقه و انجام بازی‌های سرگرم‌کننده و جذاب است.

آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای یکی دیگر از عناصر مهم و ضروری این برنامه است. ضرورت و کیفیت آموزش مهارت‌های شغلی، عدم کارایی و کفایت مهارت‌های تحصیلی عمومی و تئوریک و نرخ بیکاری بالای نابینایان در سن کار در سطح جامعه، ایجاب می‌کند که در برنامه درسی دانش‌آموزان با آسیب بینایی، توجه ویژه‌ای به کسب مهارت‌های گوناگون شغلی و حرفه‌آموزی آنها داشته باشیم. آموزش عملی راهی برای یادگیری معنادار در هر مهارت و حرفه است. بازدیدهای برنامه‌ریزی شده و هدفمند از نقاط مختلف شهر و مشاغل که در آنها مستقر هستند و گفتگو با صاحبان مشاغل پیرامون چگونگی انجام هر شغل، تمهیدات، ابزار و مواد لازم برای هر کدام، راهی برای افزایش درک دانش‌آموزان از مفاهیم و مهارت‌های خاص مورد نیاز برای موفقیت در آن مشاغل است.

مکان و زمان آموزش مهارت‌های شغلی، در مدارس و در طول سال‌های تحصیلی است که باید مهارت‌های مورد نیاز بازار کار به دانش‌آموزان یاد داده شود.

فناوری‌های کمکی

بدون شک فناوری‌های کمکی در شمار آن دسته مهارت‌هایی است که لازمه زندگی در جهان امروز است. این مهارت‌ها ابزاری قدرتمند در اختیار دانش‌آموزان با آسیب بینایی برای غلبه بر موانع سنتی تحصیلی و شغلی است.

بسزایی داشته باشد و دنیای او را به جهان‌های وسیع‌تری متصل کند.

مهارت‌های کسب‌شده در این حوزه شامل، تن‌آگاهی، آشنایی با مفاهیم اساسی جهت‌یابی و حرکت، مفاهیم محیطی، تعیین موقعیت و جهت‌یابی، مهارت حرکت مستقل، مؤثر و ایمن از نقطه‌ای به نقطه دیگر است.

عنصر دیگری که دانش‌آموزان باید در این برنامه یاد بگیرند، حوزه تعامل اجتماعی^۱ است. مؤثرترین راه یادگیری مهارت‌های اجتماعی، یادگیری اتفاقی و مشاهده افراد و روابط بین آنها در محیط است. کودکان با آسیب بینایی، از این کانال یادگیری مهم محروم هستند؛ بنابراین با اتخاذ ساز و کارهای علمی و کارآمد می‌توان مهارت‌های اجتماعی را به آنها آموزش داد، از جمله این راهکارها، می‌توان از این موارد نام برد: آموزش دقیق، آگاهانه و صریح، شرکت دادن کودکان در جمع‌های دوستانه، تمرین مهارت‌های اجتماعی از قبیل به اشتراک‌گذاری وسایل و اسباب‌بازی‌های خود در این جمع‌ها و فراهم ساختن فرصت برای ایجاد معاشرت برای نوجوانان.

مهارت‌های زندگی مستقل^۲ یکی دیگر از عناصر مهم این برنامه است که دانش‌آموزان باید یاد بگیرند.

دامنه این حوزه بسیار وسیع است و شامل تمام مهارت‌ها، فعالیت‌ها و وظایفی می‌شود که برای استقلال در زندگی لازم است؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به مهارت‌های رسیدگی به وضع ظاهری خود، تهیه غذا، اعم از خرید مواد اولیه و مهارت‌های آشپزی، نظم در زندگی و مدیریت زمان و مهارت‌های پولی و مالی اشاره کرد.

تفریح و اوقات فراغت^۳ حوزه دیگری است که دانش‌آموز با آسیب بینایی باید با کم و کیف آنها آشنا باشد و چون چنین فضاهایی در سطح شهرها منطبق با استانداردهای

^۱ . Independent Living Skills

^۲ . Social Interaction Skills

همسرای نهنگ‌ها در میان آب‌های آلوده
(توان‌بخشی شغلی و کار پیدا کردن افراد
نابینا و کم‌بینا)

مسعود طاهریان: مددکار مؤسسه حمایت از
بیماران چشمی آرپی

مقدمه

هر کسی تحصیلات خود را به پایان برساند یا حرفه‌ای را یاد بگیرد، تلاش می‌کند شغلی مناسب برای خود پیدا کند. برای افراد نابینا و کم‌بینا هم داشتن شغل، آغاز زندگی مستقل است و باعث می‌شود که به حمایت‌های مادی و مالی خانواده وابسته نباشند و بتوانند ازدواج کنند و خانواده خود را تشکیل دهند. افراد نابینا و کم‌بینا توانایی‌های شغلی متنوعی دارند و می‌توانند در بسیاری از حوزه‌های کاری فعالیت کنند. آنها مثل همه اقشار جامعه، استعدادها، علاقه‌ها و تمایلات مختلفی دارند، اما با یک محدودیت مهم روبه‌رو هستند و آن نداشتن یادگیری اتفاقی و الگوبرداری از دیگران است. این موضوع باعث می‌شود نیازمند آموزش رسمی و راهنمایی حرفه‌ای باشند؛ بنابراین ضرورت مداخله آگاهانه و زودهنگام از سوی مسئولان، مشاوران، معلمان و خانواده‌ها برای شناسایی و توسعه استعدادهای شغلی افراد با آسیب بینایی بیش از همه احساس می‌شود. در این راستا توان‌بخشی شغلی به افراد معلول کمک می‌کند تا به کار قبلی خود بازگردند یا شغل جدیدی بیابند. تلاش برای تطابق بهتر با فضای شغلی، تغییرات محل کار، انجام تمرین‌های فیزیکی برای افزایش توان جسمی، آشنایی با فناوری‌های کمکی، اصلی‌ترین حوزه‌های توان‌بخشی شغلی محسوب می‌شود.

راه‌های کنونی پیدا کردن کار

اشتغال یکی از مسائل مهم و چالش‌برانگیز افراد نابینا و کم‌بینا در کشور است که متأسفانه به علت نبود آمار رسمی، ابعاد و مشکلات این حوزه، به‌درستی شناخته و رسیدگی نمی‌شود. بر اساس آمارهای غیر رسمی که

دانش‌آموزی که با آموختن مهارت‌های فناوری از آموزش عمومی فارغ‌التحصیل می‌شود، در بسیاری از عرصه‌های مختلف حرف برای گفتن دارد و می‌تواند فرصت‌های آموزشی و شغلی خود را به‌صورت چشمگیری توسعه ببخشد.

در نهایت مهارت‌های تصمیم‌گیری (خودتعیین‌گری) آخرین مهارت از حوزه‌های برنامه درسی دانش‌آموزان با آسیب بینایی است که باید مهارت‌های قبلی به صورتی آموزش داده شود که به قدرت تصمیم‌گیری دانش‌آموز ختم شود. رسیدن به این مهارت و شکوفا کردن آن در دانش‌آموز، بیانگر اهمیت بالای نقش فرد در تعیین تصمیم‌های مربوط به خود است و باید توسعه مهارت‌های خودتعیین‌گری، بر اساس نیازها و اهداف دانش‌آموزان صورت پذیرد.

برای رسیدن به وضعیت مطلوب و تحقق اهداف این برنامه در ایران، راه‌دراز و موانع بسیار ساختاری، انسانی و زیربنایی در پیش است که باید با تکیه بر مبانی علمی و مطالعه تجارب ارزنده نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر و توجه به مفروضات بنیادی در حوزه احترام به حقوق طبیعی تمامی افراد، از جمله دانش‌آموزان با نیازهای خاص، به آن دست پیدا کرد.



مصاحبه‌های شفاهی اختصاصی دانشگاه‌ها، عضو هیئت‌علمی بشوند. این افراد معمولاً در رشته‌های علوم انسانی مانند روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و ... تحصیل کرده‌اند و برای تدریس و پژوهش در همین رشته‌های دانشگاهی، استخدام شده‌اند.

تعداد محدودی از افراد نابینا و کم‌بینا که دارای سرمایه، توانایی و علاقه به کارآفرینی هستند، کسب و کار شخصی خود را راه انداخته‌اند. این افراد توانسته‌اند واحدهای تجاری یا خدماتی‌شان را با استفاده از فناوری‌های کمکی یا همکاری افراد بینا، راه‌اندازی کنند. فروشگاه اینترنتی، آموزشگاه، مرکز ماساژ و ... مثال‌هایی از این کسب و کارها هستند.

در نهایت برخی از افراد نابینا و کم‌بینای معمولاً کم‌سواد که فرصت‌های آموزشی مناسب نداشتند، از طریق مشاغل کاذب امرارمعاش می‌کنند و به فعالیت‌هایی مانند فروشندگی در مترو یا دست‌فروشی در معابر عمومی مشغول می‌شوند.

قوانین حمایتی و دستگاه‌های خدمت‌رسان برای اشتغال

بر اساس قانون حمایت از حقوق معلولان: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی افراد دارای معلولیت تحت پوشش خود را ایجاد کند و بانک مرکزی هم باید مجوزهای لازم را برای تأسیس صندوق مورد نظر بدهد (ماده ۱۰).

دولت باید ۳۰ درصد پست‌های تلفنچی نهادهای دولتی و عمومی را به افراد نابینا و کم‌بینا اختصاص دهد. سازمان بهزیستی هم برای استخدام افراد معلول، به کارفرمایان وام اشتغال می‌پردازد؛ به خود افراد معلولی که طرح اشتغال و مدرک فنی‌حرفه‌ای دارند، تسهیلات خوداشتغالی ارائه می‌دهد؛ به شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که بیش از ۶۰ درصد سهام و سرمایه آنها متعلق به افراد معلول است، تسهیلات اعتباری پرداخت می‌کند (ماده ۱۱).

توسط برخی از نهادهای مردم‌نهاد و مراکز توان‌بخشی ارائه شده است، تنها ۳۰ درصد این افراد در کشور شاغل هستند و به شکلی جذب بازار کار شده‌اند.



بیشتر افراد نابینا و کم‌بینای شاغل بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری، از طریق آزمون‌های استخدامی به صورت رسمی و پیمانی جذب دستگاه‌های اجرایی و ارگان‌های دولتی می‌شوند. بر اساس بررسی‌های میدانی سازمان آموزش و پرورش استثنایی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، سازمان بهزیستی و شهرداری‌ها بیشترین نسبت فراوانی کارکنان معلول را به خود اختصاص می‌دهند، ولی به طور چشمگیری در سایر دستگاه‌ها و ارگان‌ها درصد استخدام و به کارگیری این افراد پایین است.

دومین راه شاغل شدن افراد با آسیب بینایی، مشغول شدن در ارگان‌های دولتی یا شرکت‌های خصوصی بر اساس قانون کار است. از این طریق با توجه به نیاز دستگاه‌ها و مشاغل موجود، امکان فعالیت افراد نابینا و کم‌بینا در مشاغل کارگری فراهم می‌شود. بیشتر این افراد در واحد ارتباطات ارگان‌ها و شرکت‌ها، به صورت قراردادی یا شرکتی مشغول هستند. برای پیدا کردن این نوع شغل، افراد باید از روابط و آشنایانشان بهره بگیرند و با نشان دادن توانمندی‌های خود، جایگاه خود را در محیط کار تحکیم ببخشند.

تعداد اندکی از نابینایان و کم‌بینایان که با استعداد و نخبه هستند، توانسته‌اند با قبولی در آزمون‌های کتبی و

افراد معلول به‌منظور آشنایی با حقوق، توانمندی‌ها و مشکلات این افراد اختصاص دهد (ماده ۲۱).

صد درصد هزینه‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث، تجهیز، توسعه و مناسب‌سازی تمامی مراکز توان‌بخشی، حرفه‌آموزی و کارآفرینی مورد نیاز افراد معلول با تأیید سازمان بهزیستی به‌عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی محسوب می‌شود (ماده ۲۴).

سازمان بهزیستی بر اساس آیین‌نامه‌های داخلی خود، با کارفرمایان مختلف رایزنی می‌کند تا معلولان را به کار بگیرند، اما معمولاً فرصت‌های شغلی ایجاد شده نیازمند قدرت بینایی هستند که چندان به کار افراد نابینا و کم‌بینا نمی‌آید. همچنین این سازمان از سایر ارگان‌هایی مانند شهرداری حمایت می‌کند تا انواع نمایشگاه‌های فروش و عرضه محصولات برگزار شود و از افراد معلول دعوت می‌کند تا در این رویدادها شرکت نمایند.

سایر فعالیت دستگاه‌ها و شرکت‌ها هم در حوزه اشتغال معلولان، سلیقه‌ای و بر اساس مسئولیت اجتماعی مدیرانشان است و قانون رسمی‌ای برای پیگیری آنها وجود ندارد.

تنگناهای موجود در مسیر اشتغال

افراد نابینا و کم‌بینا هنوز با چالش‌های جدی در زمینه اشتغال مواجه هستند؛ چراکه کشور ما قانون‌مدار نیست و قوانین حمایتی از اشتغال معلولان در آن اجرا نمی‌شوند. علت این وضعیت را می‌توان در تخلف دولت از وظایف اجرایی خود، نبود اهرم‌های نظارتی و عدم فرهنگ قانون‌پذیری در بین اعضای جامعه جستجو کرد. تنها راه برای برون‌رفت از شرایط کنونی متمرکز شدن مطالبه‌گری معلولان از طریق انجمن‌ها و مؤسسه‌های غیردولتی‌شان برای ایجاد فشار مدنی مستمر و هماهنگ است.

از طرف دیگر در حال حاضر سازمان‌های بهزیستی، فنی و حرفه‌ای، آموزش و پرورش استثنایی، برنامه مشخصی

کارفرمایان غیردولتی که افراد معلول را استخدام می‌کنند، می‌توانند با توجه به شدت معلولیت از کمک‌هزینه ارتقای کارایی معلولان سازمان بهزیستی برای پرداخت ۳۰ تا ۵۰ درصد از حقوق آنها بهره ببرند (ماده ۱۲).

افراد معلول که به‌صورت خوداشتغالی به کار مشغول هستند و کارفرمایی که این افراد را استخدام می‌کنند، از پرداخت حق بیمه معاف هستند. حق بیمه سهم خویش‌فرمایی یا کارفرمایی این افراد را سازمان بهزیستی می‌دهد (ماده ۱۳).

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای باید افراد معلول را در مراکز آموزشی خود بپذیرد و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای آنها را ارتقا دهد. این سازمان همچنین باید تجهیزات، کمک‌هزینه و استانداردهای آموزشی متناسب با شرایط افراد معلول را با اخذ مشاوره‌های تخصصی سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش استثنایی تأمین کند (ماده ۱۴).

دولت باید حداقل ۳ درصد پست‌های استخدامی دولتی و عمومی را به افراد معلول واجد شرایط بدهد. سازمان اداری و استخدامی باید این سهمیه را تعیین و بر آن نظارت کند. متخلفان با حکم مراجع ذی‌صلاح محکوم می‌شوند. سازمان بهزیستی هم باید از حقوق افراد معلول در مصاحبه‌های شفاهی بعد از قبولی در آزمون‌های استخدام دفاع کند (ماده ۱۵).

باید وزارت فرهنگ و ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما، شهرداری‌ها و سایر سازمان‌ها و نهادهای دارنده سالن‌های نمایش فیلم، آگهی‌های آموزشی مورد تأیید سازمان بهزیستی درباره حقوق افراد معلول و چگونگی تعامل با آنها را رایگان نشان دهند (ماده ۲۰).

صدا و سیما مکلف است حداقل پنج ساعت از برنامه‌های خود را در هفته به‌صورت رایگان در زمان‌های مناسب به برنامه‌های سازمان بهزیستی و تشکل‌های مردم‌نهاد

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی ایلام

مهمان لحظات شما می‌شویم و باهم بار دیگر تاریخ را ورق می‌زنیم و پای صحبت‌های عرفان کاظم‌پور راجع به انقلاب مشروطه و تأثیر آن بر جامعه ایران و منابع مطالعاتی این بخش از تاریخ می‌نشینیم.

قبل از هر حرفی یادآوری می‌کنم که برای دستیابی به منابع مطالعاتی معرفی شده توسط مهمان نواک و هر منبع صوتی مطالعاتی دیگر به بخش‌های نابینایان و کم‌بینایان کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور مراجعه فرمایید.

عرفان کاظم‌پور دانش‌آموخته تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه خوارزمی تهران و معلم آموزش و پرورش است. او صحبت‌های خود راجع به انقلاب مشروطه را این چنین آغاز می‌کند: انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ ایران است. هدف این انقلاب تغییر سیستم پادشاهی استبدادی به پادشاهی مشروطه بود.

کاظم‌پور ادامه می‌دهد که این انقلاب زمینه‌های گوناگونی دارد و به یک‌باره اتفاق نیفتاده است. او می‌افزاید: انقلاب مشروطه در کل به دلیل برخورد ایران با تمدن غرب در دوره قاجار شکل گرفته است، یعنی ایرانی‌ها از همان آغاز دوره قاجار که با تمدن غرب در زمینه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... برخورد کردند، متوجه عقب‌ماندگی کشور خود شدند و تلاش کردند تا این عقب‌ماندگی را ریشه‌یابی و بعد چاره‌جویی کنند که چگونه خود را از این وضعیت برهانند. وی ادامه می‌دهد: چاره‌جویی نخبگان برای خروج از چنین وضعیتی و همچنین شرایط نابسامان سیاسی و اجتماعی کشور، همگی، به انقلاب مشروطه منجر شد، اما این انقلاب یک انقلاب ناکام بود. کاظم‌پور علت‌های ناکامی

برای توان‌بخشی شغلی افراد نابینا و کم‌بینا ندارند و با کمبود جدی منابع علمی و تجارب عملی برای حرفه‌آموزی این افراد مواجه هستیم. دروس دانشگاهی متخصصانی مانند روان‌شناسان و آموزگاران در این زمینه عملی و کاربردی نیست؛ به همین دلیل افراد نابینا و کم‌بینا مهارت‌های شغلی خود را صرفاً به پشتوانه منابع غیر رسمی و حمایت‌های خانوادگی به دست می‌آورند و برای داشتن اشتغال پایدار، حتماً به سرمایه، تحصیلات دانشگاهی و استعداد خاص نیاز دارند. برای رفع مشکلات ذکر شده باید هرچه سریع‌تر متخصصانی برای آموزش مهارت‌های شغلی تربیت شود. در این راستا ترجمه و بومی‌سازی تجارب و منابع علمی و بازدید کارشناسان از مراکز توان‌بخشی بین‌المللی در حوزه حرفه‌آموزی سودمند خواهد بود. همچنین باید مؤسسه‌ها و انجمن‌های این افراد بیشتر بر توان‌بخشی شغلی متمرکز شوند و با ایجاد فشارهای مدنی و قانونی سازمان فنی و حرفه‌ای هم به سمت اقدام عملی در شناسایی استعداد‌های افراد نابینا و کم‌بینا و طراحی انواع دوره‌های حرفه‌آموزی مناسب با شرایط آسیب‌بینایی حرکت کند.

علاوه بر این دستگاه‌ها و کارفرمایان از توانمندی‌ها و نیازهای شغلی افراد نابینا و کم‌بینا آگاه نیستند؛ به همین دلیل فرصت‌های شغلی هماهنگ با مدرک تحصیلی و مهارت‌های آنها محدود است و فضای شهری و محل کار برای تردد و فعالیت این افراد مناسب‌سازی و دسترس‌پذیر نشده‌اند؛ بنابراین لازم است که تسهیلات حمایتی کافی به افراد ارائه شود تا کسب و کارهای شخصی خود را راه بیندازند یا انجمن‌ها و مؤسسه‌های حمایتی‌شان انواع تعاونی‌های زودبازده برای اشتغال این افراد تأسیس کنند. همچنین رسانه‌ها باید درباره حقوق افراد معلول و چگونگی تعامل با آنها فرهنگ‌سازی و عموم جامعه را با توانمندی‌ها و مشکلات این افراد آشنا کنند.

نسبت به مشروطه توضیح داده می‌شود و بدفهمی‌های مردم نسبت به انقلاب را مطرح می‌کند و معتقد است که ایرانی‌ها نسبت به انقلاب مشروطه بدفهمی‌هایی داشته و هیچ گروهی نتوانسته‌اند به‌درستی معنی انقلاب را درک کنند و در واقع هرکس انقلاب مشروطه را به‌زعم خود تفسیر به رأی کرده است. او همچنین به معرفی رمان و کتاب‌های داستان درباره آن دوره می‌پردازد و از دید ادبیات داستانی نیز انقلاب مشروطه را به خوانندگان معرفی می‌کند.

مهمان نواک در صحبت‌های پایانی خود ذکر می‌کند که اگر کسی به تاریخ علاقه دارد، باید نگاه ویژه‌ای به انقلاب مشروطه داشته باشد، زیرا این مسئله همچنان باقی است که چرا انقلاب مشروطه در مسیر خود درست پیش رفت و همچنان دعوی بین روحانیان که انقلاب مشروطه را مشروع می‌خواستند و روشن‌فکران که دنبال مشروطه مطلق بودند، باقی است. در انتها ماجرای امامزاده بی‌غیرت در قزوین ذکر می‌شود که خوانندگان می‌توانند شرح آن را در یادگست بشنوند. برای دریافت یادگست نواک، به وبسایت نسل مانا و صفحات ماهنامه در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی مراجعه کنید.



ایرانیان در انقلاب مشروطه را در ادامه گفتگو توضیح می‌دهد و پیامدهای مثبت انقلاب را نیز ذکر می‌کند. او راجع به ریشه مشروطه هم توضیحاتی ذکر می‌کند که شنیدن آن در یادگست برای شنوندگان خالی از لطف نخواهد بود.

عرفان کاظم‌پور در پاسخ این پرسش که انقلاب مشروطه چه تأثیری بر نوشته‌های نویسندگان در زمینه‌های مختلف در آن دوران داشته است؟ ابتدا به دسته‌بندی منابع می‌پردازد و سپس ادامه می‌دهد که ما باید برای شناخت انقلاب مشروطه کتاب‌های مختلف را بخوانیم تا از فضای سیاسی و اجتماعی دوره قاجار آگاهی پیدا کنیم. این آگاهی به ما کمک می‌کند تا اثر انقلاب بر جامعه سیاسی و اجتماعی آن دوران را بهتر درک کنیم.

کاظم‌پور منابعی چون *تاریخ مشروطه ایران*، اثر احمد کسروی؛ *تاریخ بیداری ایرانیان*، اثر ناظم‌الاسلام کرمانی؛ *واقعات اتفاقیه*، اثر محمد مهدی شریف کاشانی؛ *حیات یحیی*، اثر یحیی دولت‌آبادی و *اختناق ایران*، اثر مورگان شوستر آمریکایی را به‌عنوان منابع دسته اول و مهم مطالعه انقلاب مشروطه نام می‌برد و به معرفی هریک می‌پردازد.

او در ادامه منابع دیگری را ذکر می‌کند و به اهمیت این کتاب‌ها در شناخت ماهیت انقلاب مشروطه می‌پردازد، از جمله کتاب‌های نوشته‌شده توسط فریدون آدمیت که به زمینه و عوامل و علل پیدایش انقلاب مشروطه اختصاص دارد، منابع و مآخذ مهمی هستند که عرفان کاظم‌پور راجع به آنها سخن می‌گوید. وی همچنین به معرفی کتاب *انقلاب مشروطیت ایران* از مهدی ملک‌زاده، فرزند ملک‌المتکلمین یکی از واعظانی که به دست محمدعلیشاه کشته شد، می‌پردازد. کتاب دیگری که کاظم‌پور نام می‌برد، *مشروطه ایرانی*، اثر ماشاءالله آجودانی است که در آن دیدگاه روشن‌فکران و روحانیان

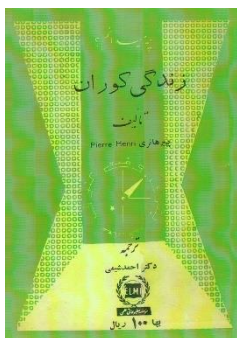
دانشگاه سوربن داشت. زندگی‌نامه و آثارش مهم و قابل مطالعه است.

متن فرانسوی کتاب زندگی کوران با مشخصات زیر چاپ شده:

La vie des aveugles, Paris, universitaires de France, ۱۹۴۸.

متن فرانسه این اثر حدود ۷۵ سال پیش منتشر شده و دو سال بعد توسط احمد شیمی (۱۲۹۴ - ۱۳۹۲) از پزشکان و دانشمندان پرکار ایرانی، به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۲۸ش برای نخستین بار در تهران با مشخصات زیر منتشر شد:

زندگی کوران، پیر هانری،
ترجمه احمد شیمی، تهران،
امیرکبیر، ۱۳۲۸، ۱۲۸ص
کتاب چاپ دوم هم با این
مشخصات دارد:



زندگی کوران، پیر هانری، ترجمه احمد شیمی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۱، ۱۲۸ص. ژرژ دو هامل (۱۸۸۴ - ۱۹۶۶)، مدیر آکادمی فرانسه، بر آن مقدمه کوتاهی نوشته که نکات ارزشمندی است. در شماره‌های بعد، مطلب مستقلی در این باره خواهیم نوشت.

انتشارات «مؤسسه مطبوعاتی علمی» آثار مهم را در مجموعه‌ای به نام «چه می‌دانیم»، چاپ می‌کرد. این کتاب هم یکی از این مجموعه است و شامل پنج فصل و این مباحث می‌شود:

فصل اول (طفولیت و زندگی تحصیلی کوران) شامل این مباحث: آمار، لزوم تربیت در دوران کودکی، سهم فرانسه در تعلیم و تربیت کوران، تقویت قوای دماغی و برنامه دروس در مدارس کوران، موضوع زمان و اهمیت آن در تربیت کوران.

فصل دوم زندگی روحی کوران و روان‌شناسی آنها شامل این مباحث: متفاوت بودن وضع روحی در افراد و علل

نخستین زندگی‌نامه نابینایان

محمد نوری: پژوهشگر حوزه معلولیت

یکی از روش‌های انتقال تجربه و دانش، تدوین زندگی‌نامه بزرگان و مشاهیر است. زندگی‌نامه شخصیت‌ها تأثیر چشمگیر در پیشرفت فرهنگی و اجتماعی دارد. جامعه نابینایان هم از این قاعده مستثنا نبوده و کسانی به تدوین زندگی‌نامه نابینایان فعال و مؤثر پرداخته‌اند و در بسیاری از جوامع، کتاب‌هایی درباره آنان عرضه شده است.

اولین زندگی‌نامه نابینایان را مورخ مشهور، صلاح‌الدین صفدی، نوشت. او دو کتاب به نام‌های **نکت الهمیان فی نکت العمیان و الشعور بالعور** در سده هشتم قمری تألیف و صدها نابینا و کم‌بینا را معرفی نمود.

بعدها چند کتاب هم در ایران درباره شخصیت‌های نابینا تألیف و منتشر شد. در صد هفتم این آثار را در چند مقاله در همین مجله معرفی کنم، اما اولین کتاب درباره نابینایان که از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد کتابی با این مشخصات است:

زندگی کوران، پیر هانری، ترجمه احمد شیمی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۳۸، ۱۲۸ص.

این کتاب نخستین اثری است که با معرفی جمعی از اروپاییان نابینا، آنها را به ایرانیان معرفی و از این طریق الگوسازی کرده است. زندگی کوران هفتاد و چهار سال قبل ترجمه و در ایران منتشر شده و هنوز مطالبش مهم و قابل مطالعه است. برای شناخت این کتاب و نویسنده آن به بررسی برخی جنبه‌های آن می‌پردازم.

لازم است یادآوری کنم در گذشته، مردم ایران به جای «نابینا» از واژه «کور» استفاده می‌کردند. برای حفظ اصالت کتاب، عین نوشته نویسنده را آورده‌ام.

زندگی کوران کتابی درباره وضع اجتماعی، فرهنگی و حقوقی نابینایان است. پیر هانری یا هنری، نویسنده فرانسوی، نابینا و متولد ۱۸۹۹ بود. او چند عنوان کتاب درباره نابینایی و نابینایان نوشت و دکترای ادبیات از

الگو بود؛ از این رو چند کتاب در این زمینه نگاشت. اکنون به صورت مختصر به معرفی آثارش می‌پردازم:

- **زندگی و کار لویی بریل**، انتشارات دانشگاه فرانسه، ۱۹۵۲، ۱۵۴ ص.

- **والنتین هاوی، نخستین مؤسسه نابینایان**، پاریس، مؤسسه والنتین هاوی، ۱۹۵۲، ۳۱ ص.

- **انطباق افراد کم‌بینا با زندگی اجتماعی و حرفه‌ای؛ پایان‌نامه تکمیلی برای دکتری ادبیات**، دفتر آمار دانشگاه، سرویس‌دهی اسناد و مدارک بررسی، ۱۹۵۷، ۱۱۰ ص.

- **زندگی نابینایان**، پاریس، انتشارات دانشگاه فرانسه، ۱۹۴۸. تجدید چاپ ۱۹۶۲.

- **نابینایان و جامعه: کمک به روان‌شناسی اجتماعی نابینایی**، پاریس، انتشارات دانشگاه فرانسه، ۱۹۵۸، ۴۶۵ ص (این کتاب تکمیل پایان‌نامه دکتری پیر هنری است).

- **زندگی و فعالیت والنتین هاوی**، پاریس، انتشارات دانشگاه فرانسه، ۱۹۸۴، ۲۰۸ ص. این شش عنوان کتاب در کارنامه او آمده است. هانری مقاله‌هایی هم دارد.

از این آثار فقط کتاب زندگی نابینایان به فارسی ترجمه و با عنوان زندگی کوران در تهران منتشر شده است. هانری در سال ۱۹۸۶ درگذشت. او از مدافعان بهزیستی فرهنگی بود و باور جدی داشت که نابینایان فقط از طریق فرهنگ و اقدام فرهنگی به زندگی بهتر و رفاه می‌رسند.

منابع

- **زندگی کوران**، پیر هانری، ترجمه احمد شیمی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۱.

- «چه می‌دانیم، زندگی کوران».

www.antiquetstore.ir

- «زندگی کوران»، www.lib.ir

- «زندگی کوران»، www.esam.ir

آن، امکان حصول رشد فکری طبیعی - «جایگزینی» - علاقه و نفرت - زیباپرستی.

فصل سوم (زندگی شغلی و حرفه‌ای) شامل این مباحث: کوران مفید، کوران و موسیقی، تعمیر و میزان کردن پیانو، کارهای دستی، ارزش کوران در صنایع جدید.

فصل چهارم (زندگی خانوادگی و اجتماعی): شرایط عمومی ازدواج، مرد خانه و رئیس خانواده، کدبانوی خانه و مادر کور، عمل (جایگزینی) و زندگی خانوادگی.

فصل پنجم (کمک اجتماعی و قوانینی که در کشور فرانسه برای جبران کوری وضع گردیده) شامل پنج

مبحث است: تشویق به کار، فعالیت یک مؤسسه بزرگ، گدایی و نابینایان بنگاه کنزون، قوانین مربوط به کمک

به نابینایان و جبران کوری و جلوگیری از کوری.

این کتاب نخستین اثری است که ایرانیان را با تحقیقات و اندیشه‌های جدید و مدرن درباره مسائل اجتماعی و فرهنگی نابینایان آشنا می‌سازد. متأسفانه به دلایل مختلف، انتقال تجربه‌ها و دستاوردهای دنیای پیشرفته به ایران با موانع و مشکلات مواجه بوده و کتاب‌ها یا مقاله‌های اندکی هم که درصدد معرفی راهکارهای مدرن برآمده، مثل همین اثر کمتر معرفی شده و مغفول و ناشناخته مانده‌اند.

اطلاعات ما درباره زندگی پیر هانری بسیار کم است. هانری در سوربن، در رشته ادبیات تحصیل کرد و با تلاش و پشتکار دکتر گرفت که این موضوع در تاریخ نابینایان جایگاه مهمی دارد. او علاوه بر تدریس به روزنامه‌نگاری و همکاری با مؤسسه ملی جوانان نابینا پرداخت و در دهه پنجاه میلادی، در این مؤسسه، به‌عنوان استاد و مدرس افتخاری مشغول بود. او بیشتر با روزنامه گرس پوندنت کار می‌کرد.

پیر هانری با تمام وجود به فرهنگ‌سازی برای جامعه نابینایی باور داشت و از جوانی به‌خاطر اینکه خودش نابینا بود، شروع به بررسی مسائل مهم و حاد نابینایان و تدوین مقاله و کتاب و انتشار آنها کرد. رویکرد او شخصیت‌نگاری و معرفی شخصیت‌های نابینا به‌عنوان

آوایی از لابلای کتاب‌های تصویری کودکان (تجسم کتاب‌های تصویری کودکان تنها از طریق صدا)

مسعود طاهریان: هماهنگ کننده گروه جیکو

مقدمه



به لویی بریل که با اختراع بریل پنجره
هایی روشن به جهان نابینایان باز کرد
موسی عصمتی: شاعر نابینا



کتاب‌های تصویری بخش بزرگی از منابع مطالعاتی کودک و نوجوان را شامل می‌شوند. در این بین نوعی از کتاب‌های تصویری هستند که رابطه متن و تصویر در آن‌ها، فراتر از صرفاً به تصویر کشیدن متن و تقارن با آن است. حتی گاهی روایت متن و تصویر در تقابل و تناقض با یکدیگر قرار می‌گیرند. گویا کردن متن چنین کتاب‌هایی بدون توضیح تصاویر، برای شنوندگان امکان‌پذیر نیست و مخاطب نمی‌تواند تنها با شنیدن متن، روایت کامل داستان را به درستی دریافت کند. در نتیجه بدون پیدا کردن راه‌حلی برای این مشکل، بخش بزرگی از منابع ارزشمند ادبیات کودکان و نوجوانان قابلیت گویاشدن ندارند.

گروه جیکو برای گویا کردن کتاب‌های تصویری کودکان، به خواندن متن به همراه شرح تصاویر می‌پردازد. تولیدات گروه جیکو برای کودکان نابینا و بینا به یک اندازه جذاب و کاربردی است و همچنین مناسب برای والدینی است که آسیب بینایی دارند و نمی‌توانند برای فرزندان خود کتاب تصویری بخوانند. گروه جیکو در حال حاضر این طرح و پژوهش را زیر نظر شورای کتاب کودک انجام می‌دهد. همچنین جیکو از موسیقی

لویی ستاره بود، سراپا بریل شد
بر جسته شد، به خاطر ماها بریل شد
شش نقطه شد، شبیه خودش رو به پنجره
شش نقطه شد شبیه خودش تا بریل شد
لویی هزار نقطه ی روشن درست کرد
لویی هزار مرتبه تنها بریل شد
با نقطه نقطه های جهان آشنا شدیم
آنجا که رنگ و نور و تماشا بریل شد
انگشت های خسته ی مارا قطار کرد
وقتی که ریل، روی مقوا بریل شد
در کوچه از ندیدن مان حرف می زدیم
لویی رسید و پنجره حتی بریل شد
با ما هلن کلر به تماشا رسیده بود
در واگنی که فلسفه ی ما بریل شد
در ایستگاه مصر، پر از رودکی شدیم
آن روز ها که دفتر طاها بریل شد
حالا قطار، حامل لویی بریل هاست
حالا که خط روشن دنیا بریل شد

ابتدا عناصر بزرگ‌تر و نزدیک‌تر را مطرح می‌کند سپس موارد کوچک‌تر و دورتر در پس‌زمینه را می‌آورد.

شیوه نگارش توضیحات

گروه جیکو تلاش می‌کند در نوشتن و بیان توضیحات تصاویر کتاب‌های تصویری:

از زیاده‌گویی و تفصیل پرهیز کند و تا جایی که امکان دارد، توضیحاتش مختصر باشد. از جملات کوتاه استفاده کند. درک گروه سنی مخاطبان را در نظر بگیرد. کلمات و بیان ساده و کودکانه را انتخاب کند. برای فهم راحت‌تر کودکان، توضیحات را به زبان محاوره بنویسد. از صفات مناسب توصیفی استفاده کند و کلمات نسبی را مانند زیبا و زشت، کنار بگذارد. جزئیات و نشانه‌هایی را که ذکر کردنشان باعث گمراهی و سوء برداشت می‌شود، بیان نکند.

موارد حائز اهمیت در توضیح تصاویر

در تصویر عناصری وجود دارد که برای شنونده باید روشن شود و بنا بر نیاز و دایره لغات کودکان به توضیح درآیند. بنابراین این مواردی که گروه جیکو در توضیح‌دار کردن تصاویر به آن توجه می‌کند عبارت‌اند از:

- موقعیت زمانی
- موقعیت مکانی
- حس و حال حاکم بر فضا
- تاریکی و روشنایی قابل توجه
- زاویه دید
- شخصیت‌ها
- رفتار و کنش‌ها
- حالت بدن شخصیت‌ها
- احوال، عواطف و احساسات شخصیت‌ها
- جهت و حالت نگاه شخصیت‌ها
- پوشش شخصیت‌ها
- عناصر و نحوه قرارگیری آن‌ها
- اندازه و مقدار اجزای تاثیرگذار

و افکت‌های صوتی برای انتقال بهتر مفاهیم استفاده می‌کند و در کل فضایی را می‌سازد تا شنونده بتواند صرفاً با کمک صدا، فضای داستان و تصاویر کتاب را تجسم کند و برای انجام این کار از متخصصان حوزه تصویرگری، نویسندگی، صدایپیشگی، آهنگسازی و روانشناسی افراد با نیازهای ویژه کمک می‌گیرد. برای رعایت حق مولف و جلوگیری از اشتراک‌گذاری غیرقانونی فایل‌های صوتی هم جیکو اجازه نشر صوتی کتاب‌ها را از ناشرهای مربوطه می‌گیرد و از بسترهای قانونی عرضه الکترونیکی مانند فیدیبو استفاده می‌کند.

معیارهای انتخاب کتاب

گروه جیکو کتاب‌هایی را برای توضیح‌دار کردن انتخاب می‌کند که:

تصاویر در روایت داستان آن‌ها، مکمل یا مستقل است و روایتی مجزا از متن دارند و نقش مهمی برای درک داستان ایفا می‌کنند. تصاویر آن‌ها انتزاعی و مبهم نیستند و امکان توضیح‌دار کردن کتاب‌ها وجود دارد. کتاب‌ها در سال‌های اخیر چاپ شده‌اند و احتمال کمتری دارد که توسط سایر مراکز صوتی شده باشند. کتاب‌های برگزیده‌ای هستند و مورد توجه منتقدان و مخاطبان قرار گرفته‌اند. کتاب‌ها تنها برای آشنایی عموم جامعه با دنیای افراد با نیازهای ویژه نوشته نشده‌اند و به دغدغه‌های انسانی تمام اعضای جامعه توجه دارند. در نهایت با سلیقه مخاطبان هماهنگ هستند و ژانرها و موضوعات مختلف را دربرمی‌گیرند.

نحوه توضیح تصاویر

اولویت‌بندی برای شرح عناصر تصویر از دیگر موارد مهمی است که باید به آن توجه شود. از این رو جیکو برای خوانش تصاویر از شیوه خطی بهره می‌گیرد. به این معنا که ابتدا کلیتی را در ذهن مخاطب می‌سازد و بعد به جزئیات می‌پردازد. موارد کانونی و اصلی را توضیح می‌دهد و بعد به اجزای پیرامونی و فرعی اشاره می‌کند.

چگونگی تدوین

از نکات مهم شیوه تدوین در گروه جیکو می‌توان به اهمیت بسیار بالا در انتخاب افکت‌های صوتی درست و به‌موقع همراه با خوانش متن و توضیح تصاویر اشاره کرد، به گونه‌ای که مخاطب از فضای داستان و تصویر تجسمی سه‌بعدی و فراتر از کلمات پیدا کند. همچنین برای درک تغییر فضا و ورق خوردن صفحات کتاب از افکت‌های مناسب و موسیقی‌های ساخته شده، استفاده می‌گردد. از طرف دیگر به بیان روان و قابل فهم کلمات و جملات توجه می‌شود و با در نظر گرفتن حساسیت شنیداری کودکان به ویژه افراد با نیازهای ویژه، بلندی و تیزی صدا هم به حدی می‌رسد که آزار دهنده نباشد تا بتواند توجه مخاطبان را به خود جلب کند.

سخن پایانی

تمام اعضای گروه جیکو علاقمندند فعالیتی را که برای کتاب کودک شروع کردند، با کمک ناشران و فعالان حوزه کتاب کودک توسعه دهند و آثار فاخر و کتاب‌های شنیدنی‌ای تقدیم جامعه هدف کنند. امیدوارند مخاطبان آثار منتشر شده‌شان را بشنوند و با نظرات خود در جهت رفع نواقص و افزایش کیفیت کار، به آن‌ها کمک کنند. همچنین خواستار همراهی ناشران کتاب کودک هستند تا با در اختیار قرار دادن کتاب‌های خود گامی در جهت مناسب‌سازی تولیداتشان برای تمام کودکان حتی افراد با نیازهای ویژه بردارند. در نهایت این گروه از همراهی و همیاری شورای کتاب کودک برای کسب مجوز از نشرهای فاطمی، افق و موسسه پژوهشی تاریخ و ادبیات کودک و همچنین فیدیبو برای فراهم کردن بستر انتشار کتاب‌های صوتی گروه قدردان هستند. سه کتاب از تولیدات گروه جیکو را می‌توانید به صورت رایگان در فیدیبو بشنوید. لینک‌های این کتابها در زیر آمده‌اند:

- [من مترسکم ولی می ترسم](#)
- [تو یک جهانگردی](#)
- [موزی که می خندید](#)

- رنگ‌های تاثیرگذار
- جهت حرکت
- بافت جغرافیایی، قومی و فرهنگی
- شیوه طراحی و تکنیک
- پس‌زمینه

تکنیک‌های صدای‌پیشگی

جیکو از تکنیک‌های صدا پیشگی برای ایجاد جذابیت و تنوع در کتابها استفاده میکند. با توجه به متن و تصاویر کتاب‌ها، برای شخصیت‌ها یک شناسنامه صوتی تولید میکند. بعد بر اساس این شناسنامه، برای شخصیت‌ها و راوی کتاب‌ها یک صدای خاص و درخور می‌سازد. همچنین متن توضیح تصاویر را از نظر آوایی و جای نفس مناسب‌سازی می‌کند تا راحتی گوینده در نظر گرفته شود. این تکنیک‌ها باعث میشوند که شنوندگان با شخصیت‌ها و داستان‌ها بیشتر ارتباط بگیرند و از شنیدن کتاب‌های گروه لذت ببرند.

نحوه آهنگ‌سازی

جیکو با استفاده از دانش سازبندی، برای کتاب‌ها موسیقی‌های اختصاصی می‌سازد که تصاویر را بازسازی می‌کند و سعی دارد با کنار هم گذاشتن سازها، ترکیب ملودی‌ها و سرعت موسیقی کاری کند تا شنونده موقعیت داستانی را در ذهن خود مجسم کند. به همین منظور جیکو برای هر یک از کتاب‌های صوتی خود، تیتراژ مستقل و مناسب تولید می‌کند. همچنین موسیقی بین‌متنی متناسب با موقعیت‌های داستانی برای صفحه‌های مختلف کتاب می‌سازد تا بهترین درک از فضای احساسی منتقل شود. علاوه بر این، در موسیقی‌های خود ریتم‌هایی را انتخاب می‌کند تا باعث حرکت کودکان شود و از صداها تیز که آزار دهنده هستند، پرهیز می‌کند. برای آشتی فرهنگی از سازهای ایرانی و بین‌المللی در کنار هم بهره می‌گیرد. در نهایت با آوردن موسیقی جدی و تنوع در انتخاب ساز، گوشه چشمی به ترویج فرهنگ آموزش موسیقی دارد.

اشک‌های شوق یلدا برف شد

سردبیر

قطعه شعری که در ادامه می‌خوانید، سروده‌ای است از بهروز نبی‌زاده، متخلص به «مهاجر»، شاعر خوش‌قریحه نایینا و از خوانندگان همیشگی نسل مانا. او این قطعه را به مناسبت فرارسیدن یلدای ایرانی به خوانندگان نسل مانا پیشکش کرده است.



تا به پایان آمد آذر، دی رسید
دی که آمد سبزه از صحرا رمید
سازِ دل‌سردی رسید از هر کران
باد جانکاه زمستان تا وزید
دختر زیبای یلدا را ببین
آمد و آورده از شادی نوید
رنگ شب دارد به سر گیسوی او
کرده افشان گرد رخسار سپید
ابر دی تا بر سر یلدا نشست
اشک شوق از دیده‌های او چکید
اشک‌های شوق یلدا برف شد
دانه‌دانه شد پرنده پر کشید
شاعر یلدا مهاجر است و بس
شعرهایش می‌دهد نور امید

بابا تو دیگه کی هستی؟!

نیاز به گفتن نیست که ما به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین انسان‌ها در حوزه کوران ایران، هر کاری بکنیم الگوی خاص و عام می‌شویم. چند وقت پیش در یک اتاق فکر طولانی، فکر بکری به ذهنمان خطور کرد و تصمیم گرفتیم ما هم مثل یک عده که از کره آب می‌گیرند و ملت را به سخره می‌گیرند و یک شو راه می‌اندازند و کلی پول به جیب می‌زنند، یک شوی تلویزیون اینترنتی در حوزه کوران با عنوان «کور شو!» راه بیندازیم؛ هم فال است هم تماشا؛ لذا با یک استدیو هماهنگ کردیم و اطلاعاتی هم به همه کوران و خانواده‌هایشان دادیم که آقا هرچه دارید بریزید روی داریه، ببینیم کی چه‌کاره‌ست! هنوز نیم ساعت از پخش اطلاعات در فجازی نگذشته بود که تلفن‌هایمان به صدا درآمدند. کرور کرور کورها و خانواده‌هایشان از سراسر کره خاکی با ما تماس گرفتند و اظهار کردند کلی خفن هستند و از همه بهتر هستند و تمایل دارند در مسابقه «کور شو!» استعدادیابی کوران خفن حضور داشته باشند. ما که از خوشحالی در پوست مبارک نمی‌گنجیدیم، پیش خودمان فکر کردیم حالا که داوطلبان، بسیار بیشتر از انتظارات ما هستند، ما یک مرحله تأیید صلاحیت هم بگذاریم که هم عناصر بیگانه را در درون برنامه اصلی راه ندهیم، هم این‌طوری خفن‌ترین‌ها را انتخاب کنیم که کیفیت برنامه بالاتر برود و مشتری‌هایمان نیز بیشتر بشوند. این شد که از کوران داوطلب و خانواده‌هایشان دعوت کردیم در جلسه بررسی صلاحیت حاضر شوند.

روز موعود، کوربازاری داشتیم. دسته‌دسته خانواده‌ها با گل و شیرینی و سوت و کف و کل کورانشان را به محل قرار آوردند. بعضی خانواده‌ها کورانشان را مثل دلک بزرگ کرده بودند؛ بعضی دیگر گویی به عروسی آمده‌اند، لباس عروس و داماد بر تن فرزندان کور کرده بودند. برنامه این‌گونه بود که ابتدا خانواده‌ها وارد اتاق مصاحبه شوند و توضیحات در خصوص کور مورد نظر و استعداد

نسل‌مانا

پسرک گیتار را در دستش گرفت و گفت: اولش رو یادم رفته. یکی در گوشش چیزی پیچ کرد و پسرک شروع کرد به دست کشیدن به روی سیم‌ها. ناگهان همه دوازده نفر با تمام قوا و بدون رعایت هرگونه عنصر موسیقایی، شروع به فریاد زدن کردند: کی اشکاتو پاک می‌کنه، شبا که غصه داری... با هزار بدبختی گروه را ساکت کردیم و گفتیم: اولاً ما که نشنیدیم این بچه چی زد. ثانیاً این آهنگ انگار آشنا بود. مطمئنید خودش ساخته؟ این را که گفتیم، همه اعضای خانواده شروع کردند به ایما و اشاره به من. بعد هم یک آقای سیبیل کلفت با تحکم گفت: خودش ساخته. ما نیز همه چیز دستان آمد و گفتیم: ممنونیم از حضور شما. بفرمایید بروید نتیجه را خدمتان تلفنی عرض می‌کنیم!

خانواده دوم تقریباً به همان سبک و سیاق وارد شدند. پدر گفت: پسر من ژیمناسته. بدنش مثل ماهی نرمه. تمام حرکات ژیمناستیک و ژوراستیک و پلاستیک رو بلده. با یه دست رو طناب راه می‌ره. می‌تونه رو خرک خرسواری کنه! اصلاً پسر من یه سیرک تمام‌عیاره.

گفتیم: این دلک بزرگوار را وارد کنید ببینیم کیست. خانواده رفتند و یک آقای حدوداً ۳۵ ساله، با قد ۱۹۰ و وزن ۱۲۰ کیلو را آوردند اتاق مصاحبه. آقای تنومند با یک کت و شلوار مستعمل و کلی ریش و سیبیل، بیشتر شبیه مشاوران املاک بود تا ژیمناست. پدرش گفت: پترس جان! یه معلق برای آقا بزن! پترس هم با همان هیبت مثل بچه‌های پنج‌ساله سرش را گذاشت روی زمین و یک معلق زد و چون پایش دراز بود و وزنش زیاد، چند صندلی به همراه صاحبانش به هوا پرت شدند. ما که خیلی وحشت کرده بودیم، گفتیم: ممنون پترس جان! فعلاً شما بفرمایید انگشتان را در سوراخ سد فرو کنید تا بعداً با شما تماس بگیریم.

خانواده سوم وارد شدند. پدر و مادر، هم‌زمان، گفتند: دختر ما واقعاً یک کتاب اول و بسیار نابغه است. پایتخت تمام کشورهای دنیا را حفظ است؛ نام تمام غذاهای

خارق‌العاده او بدهند و بعد کور مذکور وارد شود و استعدادش را به نمایش بگذارد.

خانواده اول وارد شد؛ دوازده نفر پیر و جوان که مدام در حال قربان صدقه رفتن برای کورشان بودند. فرمودیم: از استعداد این فرزند غیورمان بگوئید. خانمی بادی به غبغب انداخت و گفت: پسر من موسیقی رو تموم کرده. همه سازهای جهان رو بلده. از سازهای ایرانی بگیرد تا خارجی. آهنگساز، خواننده، نوازنده و خیلی چیزهای دیگه. برای خواننده‌ها و نوازنده‌های بزرگ این ور آبی و اون ور آبی آهنگ ساخته. گوگل ازش دعوت کرده بره تو مایکروسافت براشون آهنگ چت جی‌پی‌تی کنه، حتی یه دوره کامل ارنج‌بای هم فرستادیمش خارج پیش نوه بتهون.

مادر که اینها را می‌گفت، بقیه اعضای خانواده هم مدام در حال قربان‌صدقه بودند. گفتیم: خیلی خوشحالیم که چنین کور بااستعدادی داریم. فقط نفهمیدیم دوره ارنج‌بای چیست؟ مادر گفت: یه دوره خیلی پیشرفته موسیقی که هر کی بلد باشه، اول آهنگ می‌گن ارنج‌بای فلانی!

ما کله‌مان را به دیوار کوبیدیم و گفتیم: خیلی خب! بفرمایید دوست بزرگوار وارد شوند ببینیم چه کاره هستند.

خانواده رفتند و یک کودک دوازده‌ساله را آوردند توی اتاق. ما متعجب شدیم و گفتیم: پسر! خیلی جالب است که با این سن، این‌همه توانایی کسب کرده‌ای. خودت را معرفی کن و بفرما چی کار می‌خواهی بکنی!

پسر بچه گفت: من گیتار بلدم.

مادر گفت: گیتار رو تموم کرده.

خاله گفت: خالش قربونش بره بچلی خاله!

دایی گفت: آهنگ‌ساز و شاعر هم هست، دایی جان! اون آهنگ کی اشکاتو پاک می‌کنه رو که خودت ساختی و شعرش رو هم گفتمی بخون برای آقا!

مثل بادکنک باد کرده‌اند. عزیزان بادشده من! بدانید و آگاه باشید که شما انسان‌های معمولی هستید، اما چون پدر و مادر شما دنبال یک کور خاص و فوق‌العاده بودند، نتوانستند شما را به‌عنوان یک فرد معمولی بپذیرند و به همین خاطر شما را باد کردند تا مثل بادکنک در هوا نگهدارند تا به همه بگویند اگرچه فرزندشان کور است، ولی خیلی خفن است تا مثلاً به همه بفهمانند که چیزی کم از بقیه ندارد. عزیزان من! شما حداکثر یک آدم معمولی هستید و نه بیشتر از آن و اصلاً نباید بیشتر از آن باشید! این حرف‌ها را که گفتیم، کم‌کم چهره بچه‌ها رو به سرخی می‌رفت. ناگهان پترس مشت‌ی بر روی میز کوبید و با عصبانیت گفت: اصلاً ما بادکنک، به تو چه؟! ما دلمان می‌خواهد باد شویم! اشکال این کار کجاست! بقیه هم حرفش را تأیید کردند.

ما که حسابی قالب تهی کرده بودیم، با تته‌پته گفتیم: پترس جان! اشکال کار دقیقاً همین‌جاست که وقتی با واقعیت خودتان روبه‌رو بشوید، نمی‌توانید آن را بپذیرید و یا افسرده می‌شوید یا می‌زنید طرف را نصف می‌کنید یا حسادت می‌کنید و با هرکسی که توانمندتر از شما باشد، درگیر می‌شوید، البته عیب دیگری هم دارد و آن این است که هیچ‌وقت هیچ‌چی یاد نمی‌گیرید و در توهماتان زندگی می‌کنید.

وقتی سخنرانی ما تمام شد، همه سکوت کرده و سر در گریبان فرو برده بودند که نازی جان با خمیازه‌ای گفت: تو که اینا رو بلدی، چرا خودت دنبال کور خفن بودی؟! انگار خودتم می‌خواستی ما رو باد کنی باهامون پول دربیاری!

ما که انتظار این حرف را نداشتیم، سکوت کردیم و بدون اینکه کسی متوجه شود مجلس را به قصد حضور در اتاق فکر ترک کردیم تا شاید فکر بهتری به ذهنمان خطور کند.

ارادتمند: موشکاف

آنگولایی را بلد است؛ مسلط به هجده زبان زنده و مرده دنیا است؛ دارای چهارده مدرک لیسانس، هفت فوق‌لیسانس و سه دکتراست. ما که امیدوار شده بودیم که یک کیس به‌دردبخور پیدا کرده باشیم، مشتاقانه گفتیم: خب! بگویند این نابغه تشریف بیاورند داخل! رفتند و نابغه را آوردند. یک خانم ۲۰ - ۲۱ ساله بود که انگار تازه از خواب بیدار شده و هنوز ویندوزش بالا نیامده بود. به محض ورود پدرش گفت: نازی جان! به آقا بگو پایتخت انگلیس کجاست. نازی جان هم گیج و منگ کمی من من کرد و گفت: یادم نیست دقیق! پدرش باذوق گفت: آفرین لندن! حالا کمی انگلیسی حرف بزن. نازی جان هم گفت: Hello! بعد ناگهان خانواده منفجر شدند و شروع به تشویق نازی کردند. ما نیز کله‌مان را مدام به دیوار می‌کوبیدیم!

تا ظهر همه مراجعان به همین شکل بودند. ما که این وضعیت را دیدیم، به خودمان گفتیم: موشکاف! حواست هست، جامعه کوران دارد به کدامین سمت می‌رود؟! چرا این جماعت را به حال خودشان رها کرده‌ای؟ موشکاف! آخر تو هم شدی آدم! بی‌وجدانی تا کی! موشکاف! آدم شو و این جماعت ره‌گم کرده را به راه بیاور. موشکاف! تو مسئولی، می‌فهمی؟ مسئول!

ما که ندای وجدانمان داشت دهنمان را صاف می‌کرد، ناگهان متحول شدیم و دستور دادیم خانواده‌ها بیرون باشند و همه کوران را بردیم در یک اتاق و سخنرانی غرایبی به راه انداختیم: عزیزان کور من، کوران عزیز من! با شما صحبتی دارم که باید با دیگران می‌داشتم، اما چه کنم که فعلاً فهمیده‌ترین این جماعت شما هستید؛ درواقع شما خودتان قربانی هستید، اما من چاره‌ای ندارم، جز اینکه این حرف‌ها را با شما قربانیان بزنم؛ چراکه آن‌سوی دیوار، قصابان تاب شنیدن حرف‌های ما را ندارند.

قربانیان عزیز من! من امروز دریافتم که خانواده‌هایتان عمری‌ست به شما و خودشان دروغ می‌گویند و شما را



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳ +۹۸

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶